



# سخنانی درباره فروغی

کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران

۱۵ بهمن ۱۳۵۴





# سخنانی دربارهٔ فروغی



# انتشارات کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد

زیر نظر ایوج افشار

شماره ۸

## مجموعه خطابه های تحقیقی

شماره ۱

تهران - ۱۳۵۴



# سخانی دربارهٔ سرُوعی

تجدید چاپ بنابر نام‌گذاری  
تالار سُخرانی کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد به تالار فرُوعی

خطابه‌های ایراد شده

در کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران

در آذرماه ۱۳۵۰

۱۵ بهمن ۱۳۵۴



هزار نسخه ازین رساله در چاپخانه بهمن تجدید چاپ شد

---



## سالشمار زندگی محمدعلی فروغی

این سالشمار براساس اطلاعاتی که در مراجع مختلف مندرج است و نیز مقابله با یادداشت‌های جناب آقای محمود فروغی تهیه شده است .  
فهرست تألیفات آن مرحوم نیز در انتهای سالشمار ، به ترتیب زمانی انتشار آنها آورده می‌شود . درین فهرست فقط چاپ اول هرائز ذکر شده است مگر آنکه چاپ جدید با تجدید نظر بوده است . (ایرج افشار)

\*\*\*

۱۲۹۴ قمری (اوایل دهه سوم جمادی الاخری) تولد

تحصیل در دارالفنون در رشته طب

حدود ۱۳۱۵ بیعد

تدریس در مدارس علمیه ، ادب ،  
دارالفنون ، مدرسه علوم سیاسی

مدیریت مدرسه علوم سیاسی (تاشوال

۱۳۲۵

(۱۳۲۷)

نماینده گی در دوره دوم مجلس شورا

۱۳۲۷ (۲ ذی القعدة)

ریاست مجلس شورای ملی ۱۳۲۸ (۲۶ جمادی الاخری تا ۲۴ محرم

(۱۳۲۹)

وزیر مالیه در کابینه صمصام السلطنه

۱۳۲۹ (۷ ذی الحجه)

وزیر عدلیه در کابینه صمصام السلطنه

۱۳۲۹ (۲۰ ذی الحجه)

ریاست محکمه عالی تمیز (باراول)

۱۳۳۲ (اواخر رمضان)

وزیر عدلیه در کابینه مستوفی الممالک  
نماینده گی در دوره سوم مجلس شورا

۱۳۳۳ (۱۶ محرم)

۱۳۳۳ (۲۸ ربیع الثانی - جمادی الاولی)

وزیر عدلیه در کابینه مشیرالدوله

ریاست محکمه عالی تمیز (باردوم)



عضو هیأت نمایندگی ایران برای  
شرکت در کنفرانس صلح پاریس  
وزیر خارجه در کابینه مستوفی الممالک

۱۳۰۱ شمسی (۲۵ بهمن)

وزیر مالیه در کابینه مشیرالدوله  
وزیر خارجه در کابینه سردار سپه  
همکاری در تأسیس مجله اصول تعلیم

۱۳۰۲ (۴۱ )

۱۳۰۳ (۱۶ ربیع الاول ۱۳۴۲)

وزیر خارجه در کابینه سردار سپه  
وزیر مالیه در کابینه سردار سپه  
وزیر مالیه در کابینه سردار سپه  
رئیس الوزراء (تا تیر ۱۳۰۵)

۱۳۰۳ (۹ رمضان ۴۲)

۱۳۰۳ (۷ شهریور)

۱۳۰۴ (۱۷ مرداد)

۱۳۰۴ (۲۸ آذر)

همکاری در تأسیس انجمن آثار ملی و

۱۳۰۴ (۲۸ آذر)

رئیس آن انجمن

۵ مهر ۱۳۰۵

وزیر جنگ در کابینه مستوفی الممالک  
سفیر ترکیه و نماینده ایران در جامعه

۱۳۰۷

ملل و ریاست شورای جامعه ملل

۱۷ فرودین ۱۳۰۹

وزیر اقتصاد در کابینه مخبر السلطنه  
وزیر خارجه و کفیل وزارت اقتصاد

۲۳ اردی بهشت

در کابینه مخبر السلطنه

وزیر خارجه در کابینه مخبر السلطنه

۱۳۱۲ (۲۶ شهریور)

رئیس الوزراء

۱۳۱۴ (۲۷ خرداد)

رئیس الوزراء (تا آذر ۱۳۱۴)

عضویت فرهنگستان و رئیس فرهنگستان

۱۳

ریاست شورای عالی انتشارات

۱۳۱۹ (مهر)

نخست وزیر (تا ۱۱ اسفند ۱۳۲۰)

۱۳۲۰ (۵ شهریور)

وزیر دربار شاهنشاهی

۱۳۲۰ (۱۲ اسفند)

سفیر منتخب برای آمریکا

۱۳۲۱ (۵ آذر)

وفات





فروغی در دوران نخست وزیری سال ۱۳۲۰  
در حضور شاهنشاه آریامهر





وزراء  
فروغی در دوران ریاست سال ۱۳۰۴  
در حضور اعلیحضرت رضا شاه کبیر  
واعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر دوران ولیعهدی



## فهرست تالیفات

|                                                                   |                |
|-------------------------------------------------------------------|----------------|
| تاریخ ساسانیان                                                    | ۱۳۱۳-۱۳۱۶ قمری |
| تاریخ اسکندر کبیر                                                 | ۱۳۱۵           |
| درسهای علمی برای سال اول ترجمه از فرانسه به فارسی<br>(مصنف پل بر) | ۱۳۱۶           |
| چرا؟ به این جهت (باهمکاری میرزا کاظم خان شیمی)                    | ۱۳۱۸           |
| تاریخ ملل قدیمه مشرق (وچند بار پس از آن)                          | ۱۳۱۸           |
| تاریخ ایران قدیم                                                  |                |
| اصول علم ثروت                                                     | ۱۳۲۳           |
| دوره تاریخ مختصر ایران (وچند بار پس از آن)                        | ۱۳۲۳           |
| حقوق اساسی                                                        | ۱۳۲۶           |
| تاریخ مختصر دولت روم قدیم                                         | ۱۳۲۸           |
| علم فیزیک (چاپ دوم در ۱۳۳۵)                                       | ۱۳۲۸           |
| حکمت سقراط (جلد اول)                                              |                |
| اندیشه دور و دراز (استانبول)                                      | ۱۳۰۶ شمسی      |
| جامعه ملل                                                         | ۱۳۰۸           |
| گفتار در روش به کاربردن عقل (دکارت)                               | ۱۳۱۰           |
| سیر حکمت در اروپا (جلد اول)                                       | ۱۳۱۰           |
| خلاصه شاهنامه (باهمکاری مجتبی مینوی)                              | ۱۳۱۳           |
| گلستان سعدی (باهمکاری حبیب یغمائی)                                | ۱۳۱۶           |
| بوستان سعدی (باهمکاری حبیب یغمائی)                                | ۱۳۱۶           |
| پیام من به فرهنگستان                                              | ۱۳۱۶           |
| فن سماع طبیعی ابن سینا (چاپ اول)                                  | ۱۳۱۶           |
| زبدہ حافظ (باهمکاری ابوالحسن فروغی و نصرالله تقوی)                | ۱۳۱۶           |



|                                                                        |      |
|------------------------------------------------------------------------|------|
| آئین سخنوری یافتن خطابه (وچندبار پس از آن)                             | ۱۳۱۶ |
| حکمت سقراط (چاپ دوم، تجدید نظر شده جلد اول)                            | ۱۳۱۶ |
| سیر حکمت در اروپا (جلد دوم)                                            | ۱۳۱۸ |
| غزلیات سعدی (باهمکاری حبیب یغمائی)                                     | ۱۳۱۸ |
| فنون سماع طبیعی (ابن سینا) چاپ دوم تصحیح شده<br>(باهمکاری فاضل تونی)   | ۱۳۱۹ |
| منتخب شاهنامه برای دبیرستانها (باهمکاری حبیب<br>یغمائی) (چاپ دوم ۱۳۵۴) | ۱۳۲۰ |
| مواعظ سعدی (باهمکاری حبیب یغمائی)                                      | ۱۳۲۰ |
| رسائل سعدی (باهمکاری حبیب یغمائی)                                      | ۱۳۲۰ |
| مجموعه کلیات سعدی                                                      | ۱۳۲۰ |
| سیر حکمت در اروپا (جلد سوم)                                            | ۱۳۲۰ |
| رباعیات خیام (باهمکاری دکتر قاسم غنی)                                  | ۱۳۲۰ |
| حکمت سقراط (جلد دوم)                                                   | ۱۳۲۲ |
| مقالات فروغی درباره شاهنامه فردوسی (به اهتمام<br>حبیب یغمائی)          | ۱۳۵۱ |
| مقالات فروغی جلد اول (به اهتمام حبیب یغمائی)                           | ۱۳۵۳ |
| سه تئاتر مولیر (به اهتمام حبیب یغمائی)                                 | ۱۳۵۳ |





محمد حسين فروغی (ذکاء الملك اول) — نشسته  
محمد علی فروغی (ذکاء الملك ثانی) — ایستاده





محمد حسين فروغی (ذکاء الملک اول) — نشسته  
محمد علی فروغی (ذکاء الملک ثانی) — ایستاده

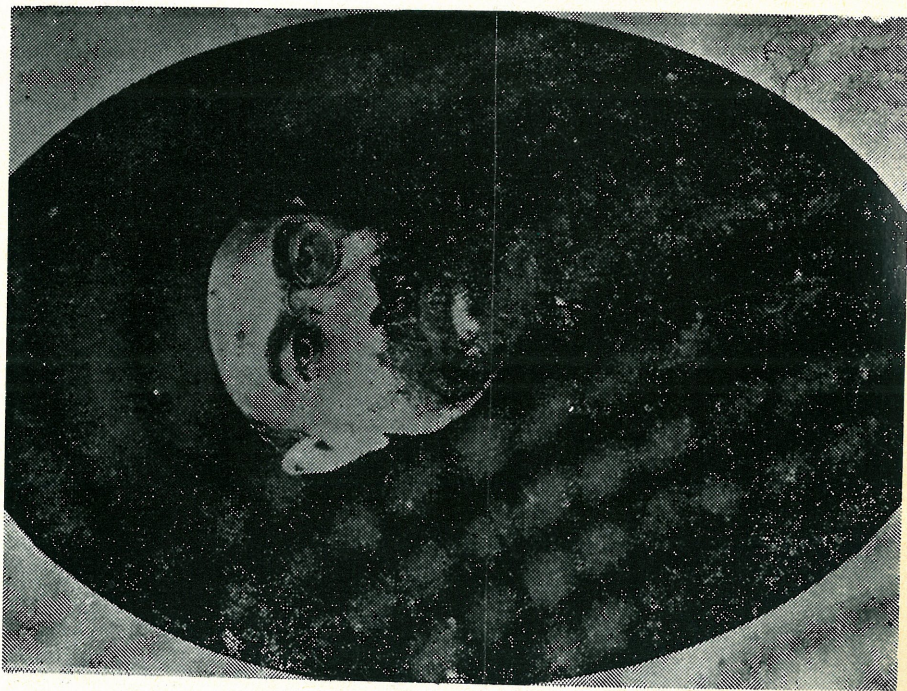




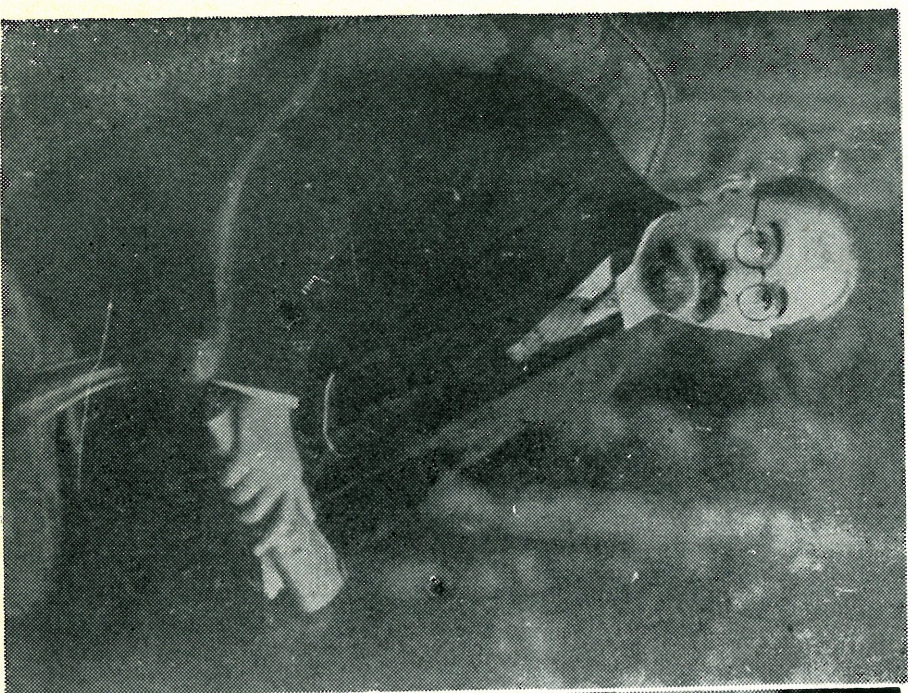
دو چهره از محمد علی فروغی (ذکا، الملک)



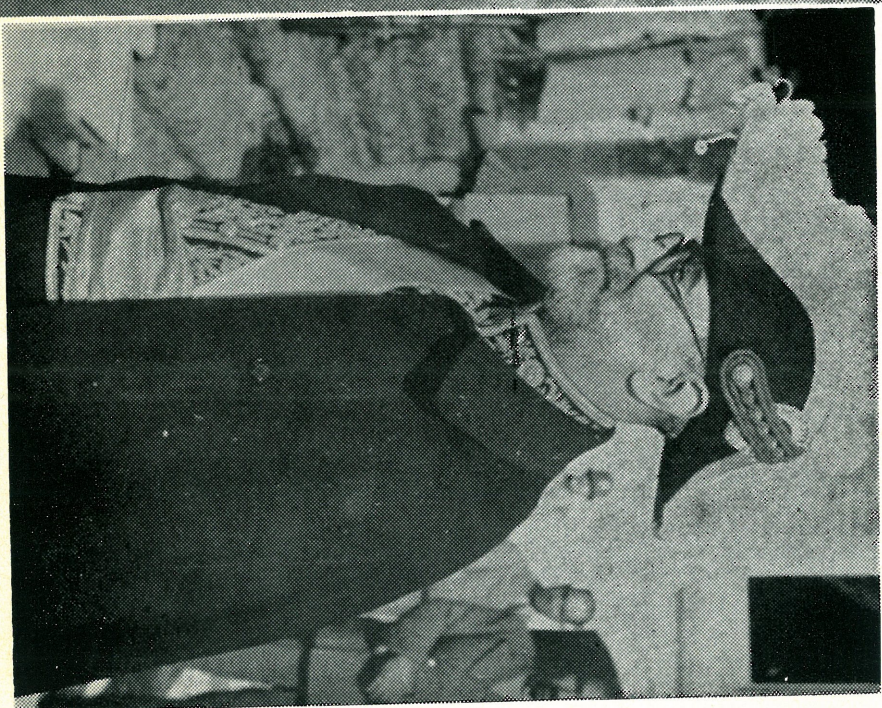
دو چهره از محمد ذكاء الملك فروغی







فروغی در اروپا

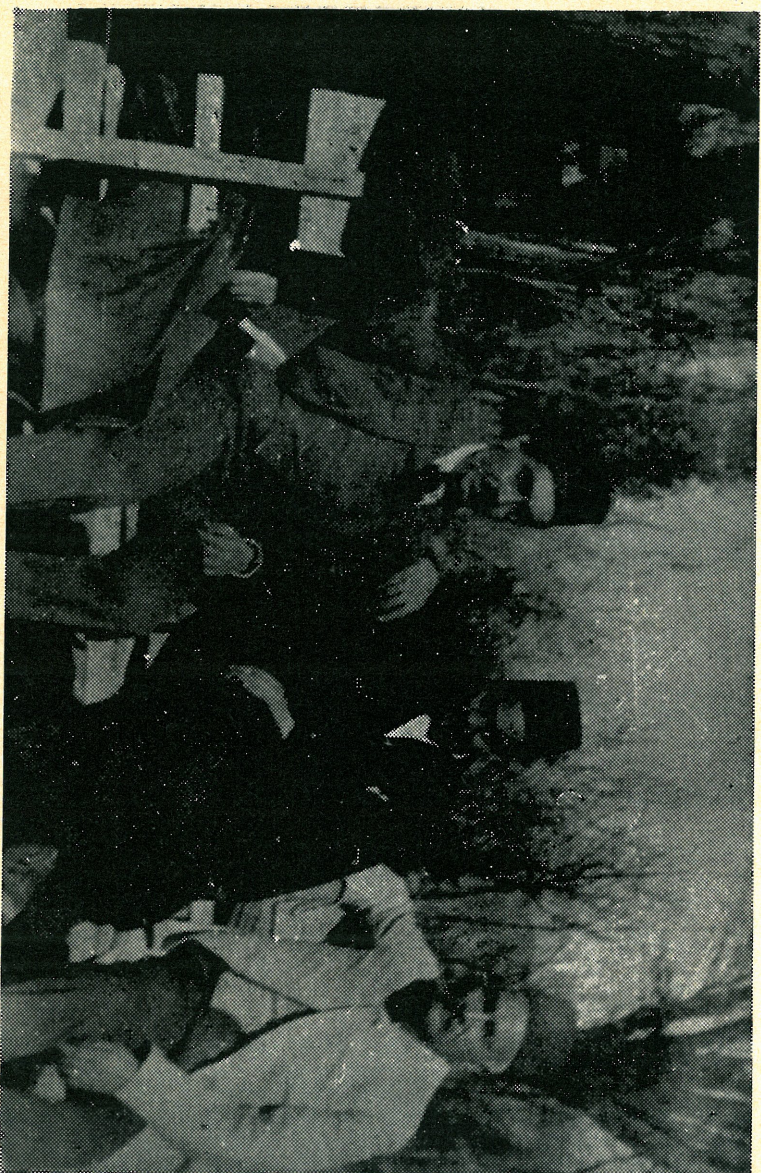


فروغی در کمپوت ریاست وزرائی









محمد علی فروغی

نصرت اللہ فیروز

سیّد حسن تقی زاده

کیخسرو و شاهرخ



به مناسبت آغاز شدن سی‌امین سال وفات محمد علی فروغی (ذکاء‌الملک) سیاستمدار، دانشمند و متفکر ایران (متونی در ششم آذر ۱۳۲۱) به ابتکار دانشگاه تهران مجلس بزرگداشتی روز هفتم آذر ۱۳۵۰ در کتابخانه مرکزی تشکیل گردید و رئیس دانشگاه تهران (دکتر هوشنگ نهاوندی) مجمع مذاکره‌ای را در آن مجلس اداره کرد. و بجز خود ایشان آقایان عبدالله انتظام، دکتر عیسی صدیق، دکتر غلامعلی رعدی آدرخشی، مجتبی مینوی و حبیب یغمائی صحبت کردند و مهندس محسن فروغی از دانشگاه تهران و سخنرانان تشکر کرد و سپس از نمایندگان خاندان فروغی بازدید شد و مجسمه‌ای که محمدعلی مددی از فروغی ساخته بود از طرف خاندان فروغی به کتابخانه مرکزی اهدا گردید. در نمایشگاه، کتب و نوشته‌های جد فروغی (میرزا مهدی ارباب)، پدر فروغی میرزا محمد حسین ادیب معروف به فروغی و ملقب به ذکاء‌الملک و برادر فروغی موسوم به ابوالحسن فروغی به نمایش گذاشته شده بود و از آثار جالب اصل و نقطه نقاشی از کارهای دوران جوانی محمدعلی فروغی بود.

اینک متن سخنرانی سخنرانان و چند عکس از نمایشگاه به منظور تجلیل از مقام علمی و فرهنگی فروغی به چاپ می‌رسد.

## سخنران هوشنگ نهاوندی

رئیس دانشگاه تهران

امروز آغاز سی‌امین سال از درگذشت شادروان محمد علی فروغی ذکاء‌الملک است. مرحوم فروغی یکی از شخصیت‌های بزرگ تاریخ معاصر ایران و یکی از مردان برجسته تاریخ این کشور است. او هم سیاستمداری بزرگ بود و در صحنه دیپلماسی بین‌المللی بلند آوازه شد هم یکی از بزرگترین نویسندگان و ادباء کشور ما بود و هم از بنیان‌گذاران و مروجان فلسفه غرب در ایران محسوب می‌شود و نیز یکی از کسانی است که فرهنگستان ایران را پی‌ریزی کرد. اما از همه این نکات که بگذریم، شاید بزرگترین خدمت ذکاء‌الملک فروغی به میهن،



بزرگترین خدمت این مرد بزرگ به ایران، نقش حساس او در يك موقع بسیار دشوار تاریخ ایران یعنی روزهای پردغدغه و پرماجرایی بعد از حمله متفقین به کشور ما باشد که نقش بسیار حساسی بعهده داشت، مرحوم فروغی در آن روزها واقعا با فداکاری و از خود گذشتگی که از حد نیروی انسانهای متعارف بمراتب بالاتر بود عاملی مهم در دوام و بقای مملکت ما شد و برای توجه باین مطلب کافی است که خانها و آقایان محترم نکاتی را که اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر در کتاب انقلاب سفید در باره آن شادروان و در باره نقش تاریخی و استثنائی او در آن روزهای دشوار تاریخ مرقوم فرموده اند مطالعه بفرمائید. برای دانشگاه تهران جای کمال افتخار و سربلندی است که امشب بوسیله چنین مجمعی که بزرگان سیاست و ادب مملکت در آن شرکت دارند رسماً ازین مرد بزرگ تجلیل میکنند و بنده فکر میکنم یکی از رسالتها و وظایف اصلی دانشگاهها، بخصوص دانشگاه تهران که بزرگترین و نخستین دانشگاه کشور است بزرگداشت رجالی باشد که ایران را ساخته اند و در مواقع دشوار تاریخ وظایف ملی و انسانی خود را انجام داده اند. نکته ای که همه خانها و آقایان بآن توجه دارند جامعیت شخصیت مرحوم ذکاءالملک فروغی است و موجب خوشوقتی است که امشب از دیدهای مختلف و بوسیله کسانی که افتخار و سعادت دوستی و هم کاری با آن مرحوم را از نزدیک داشته و محضرش را درک کردند و شناختند مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

### سخنان عبدالله انتظام

شاید سابقه ممتد خانوادگی که به صدسال میرسد موجب این باشد که من راجع به مرحوم فروغی صحبت کنم.

جد بنده بامرحوم میرزا محمد حسین فروغی، پدرم با مرحوم فروغی دوست بود و خودم شاگرد مرحوم فروغی بودم و با اولاد فروغی دوستی دارم. والا شایستگی دیگری بنده در خودم نمیتوانم.

نظر مرحوم فروغی را راجع به سازمانهای بین المللی که بنده در طول سنوات چندین بار با ایشان صحبت کردم بطور خلاصه میتوانم بعرض برسانم.

مرحوم فروغی اعتقاد و ایمان راسخی به يك سازمان جهانی و بین المللی داشت که بتواند در دلهای کشورهای شفا بخشد، از جنگها جلو گیری کند و صابح و صفا را ایجاد کند، در مسائل اقتصادی عمومی دنیا، بهداری، خوار بار و فرهنگ خدمت بکند.

باین جهت مرحوم فروغی از طرفداران يك دستگاه بین المللی بود، ولی در این قسمت مرحوم فروغی نظر قطعی داشت که این دستگاه مانع از استقلال و



برپاماندن يك كشوری نخواهد شد. بر این اساس هر کشوری بایستی استقلال خود را حفظ کند و مخصوصاً در پایداری سنن و آداب و فرهنگ خود کوشش کند. بنده خیال داشتم در اینجا به مقاله‌ای که مرحوم فروغی در این خصوص نوشته بودند اشاره کنم و خوشبختانه دیدم این مقاله چاپ شده و در دسترس خانمها و آقایان گذاشته شده است و باین جهت کار بنده را سهل کرد.

نظر مرحوم فروغی به يك دستگاه بین‌المللی بیشتر از نظر فلسفی و دور اندیشی بود برای اینکه بخوبی میدانست که این دستگاه جامعه ملل که ابتدا بوجود آمد کافی و شافی برای دردها نخواهد بود، در ژنوم که گاهی با ایشان صحبت میکردیم راجع به مشکلاتی که پیش میامد و راه‌حلی برای آن پیدا نمیشد میگفتند که این جامعه ملل جواب دردهای ما را نخواهد داد. خاطر هست وقتی که در اول جنگ بنده از اروپا برگشتم و خدمتشان شرفیاب شدم گفتند دیدید که این جامعه ملل ما هم نتوانست از جنگ جلوگیری بکند. ولی مرحوم فروغی عقیده داشت که مقدمات بایستی فراهم بشود تا بتدریج به نتیجه برسد میگفتند که یکی دونسل برای رسیدن به مقصود کافی نیست زیرا صدها سال گذشت که ساکنین يك کشور بتوانند بصورت ملی فکر بکنند و قبول داشته باشند نظم و قانونی بر همه آنها مقرر باشد تا چه رسد باینکه دنیا بصورت جهانی فکر بکند و قبول نماید که يك قوه مافوق‌قوای عموم ملی بر همه آنها تسلط داشته باشد، این بود بطور خلاصه نظر مرحوم فروغی راجع به جامعه ملل ولی باینکه به توفیق این جامعه اعتقاد زیادی نداشتند ولی در موقع آنچه از دستشان برهی آمد در تقویت آن میکوشیدند و در جلساتی که تشکیل میشد این فکر را به سایرین هم تلقین میکردند.

مرحوم فروغی چندین بار بعنوان نماینده ایران به ژنو رفته همینطور که اشاره شد در یکی از این دوره‌ها که ایران عضو شورای امنیت بود مرحوم فروغی بریاست شورای امنیت انتخاب شد و همان موقع بود که کلنگ بنای جامعه ملل در ژنو به دست ایشان زده شد و در همان موقع هم نطقی فیلسوفانه خیلی کافی راجع به آرزوهائی که هر فردی از جامعه ملل میتواند داشته باشد کردند. در جلسات دیگر جامعه ملل هم شرکت میکردند یکی از آن جلساتی که بنده بخاطر دارم موقعی بود که دولت عراق وارد جامعه میشد مرحوم فروغی در يك نطق کوتاه ولی مایه‌داری بعد از آن که تبریک ورود به نمایندگان عراق گفتند، گفتند این هم ناگفته نماند که ما با دولت عراق در بعضی مسائل اختلافاتی داریم که حالا که در این مجمع برادری وارد شده است امیدواریم آن اختلافات رافع کنیم.



الان که متأسفانه چهل سال از آن وقت گذشته آن اختلافات هنوز رفع نشده است .

مرحوم فروغی عادت باین نداشت که خود را در يك جامعه ای نمایش دهد و بهمین جهت هم از خطابه و نطق های دور و دراز حتی المقدور كناره می گرفتند و فقط سخن کافی و لازم را می گفتند و همین سبك ایشان در بین نمایندگان دیگر تأثیر بسیار خوبی کرده بود برای اینکه عادت در جامعه ملل این بود که هر نماینده ای برای اینکه خود نمائی بکند ساعتها وقت شنوندگان را می گرفت و آنها را اكل و خسته میکرد .

نوری که از دانش مرحوم فروغی بطور طبیعی در اطرافش ساطع میشد محتاج باین نبود که فتیله را بالاتر بکشد و بخواهد روشنی مصنوعی بآن اضافه کند .

مرحوم فروغی در دوران خدمات دیپلوماتيك خود موقعی که در آنکارا سفیر کبیر بودند و دوره آسانی در آن وقت نبود ایشان برای رفع مشكلات و بهبود روابط خدمات زیادی انجام دادند .

شهرت مرحوم فروغی مابین سیاستمداران و دیپلماتهای خارجی بیشتر در مذاکرات خصوصی و کار در کمیته های كوچك آشکار می گردید ، مرحوم فروغی با آن جامعیتی که داشتند در هر مجلسی که میرفتند واقعاً بدون آنکه من مبالغه بکنم مستمعین خود را مجذوب میکردند که اگر ساعتی هم ایشان صحبت میکردند کسی را خسته نمی کردند .

اگر از بنده پرسید که صفت برجسته فروغی چه بود صرف نظر از دانش ایشان از نظر يك انسان صفت برجسته ایشان سلامت عقل و اعتدال فکر بود یعنی آنچه را که فرانسویها بآن میگویند بن سانس (Bon Sens)

مرحوم فروغی در این قسمت در واقع بحد اعلای رسیده بود و به همین جهت بود که شنوندگانش و دوستانی را که دورش جمع میشدند مفتون خود میکرد . علت این امتیاز و سلامت فکر بنظرم دو چیز است .

آقایان و خانها شاید بدانند که مرحوم فروغی تحصیلات خودش را در طب شروع کرد . این پایه گذاری علمی تحصیلات مرحوم فروغی و بعد وارد شدن به فلسفه و ادبیات آن اساس فکر منطقی را در ایشان ایجاد کرد و يك نکته دیگر این بود که مرحوم فروغی باتمام گرفتاریهایی که داشت و همیشه در مدت عمرش مصدر کارهای وقت گیری بود از خواندن کوتاهی نمیکرد . من مکرر در منزل ایشان



دیده بودم که توی طاقچه‌ها و دم پنجره‌ها يك مقدار کتاب ریخته و میگفتند کاش بیشتر وقت داشتم که اینهارا میخواندم ولی بعد که میرفتم میدیدم اغلب لبه کتابها بریده شده و خوانده اند ولی مرحوم فروغی با این که زیاد کتاب میخواند، به عجله و سرسری میخواند مطلب کتاب را جذب میکرد .

این ترکیب بناء تحصیل علمی و این خواندن و جذب کردن مطالب بنظر من موجب شده بود که این اعتدال فکری در او وجود آید و بهمین جهت در سختترین مواقع که چند بار من خودم شاهد بودم شکیبائی، خودداری، و شهادت او موجب میشد که خود را گم نمیکرد در آن دوران سخت آشفته نمیشد. مرحوم فروغی روحی بسیار کنجکاو داشت مطالبی را که در دوران عمرش در اطرافش اتفاق میافتاد مایل بود که از آنها سردر بیاورد. خاطر ام است بعد از جنگ اول موضوع فرضیه انشتین Einstein يك چیز تازه بود مرحوم فروغی به موضوع علاقه مند شده بود در منزلشان يك عده از مجلات خارجی را جمع کرده بودند، مرحوم رهنما را دعوت کرده بودند مرحوم میرزا ابوالحسن خان فروغی هم حضور داشتند همه مجلات را با دقت میخواندند و بحث میکردند و میخواستند از فرضیه نسبی که يك چیز تازه ای بود سردر بیاورند .

موقعی که دیسکورمتد Discours de la methode دکارت را ترجمه میکردند میگفتند که من در ترجمه این کتاب به قسمتی برخوردیم که برایم روشن نبود در یکی از سفرهایم که به پاریس رفته بودم با یکی از دوستان دانشگاهی گفتم که من يك اشکالی دارم و آن هم گفته بود که من یکی از استادان فلسفه را که تخصص در فلسفه دکارت دارد دعوت میکنم به چائی و شما این مشکلاتان را با او در میان بگذارید . میگفتند من وقتی آن قسمت از کتاب را باز کردم آن استاد خواند و گفت بنظر من هم مشکل می آید ولی تا بحال متوجه آن نبودم حالا معاوم میشود انسان وقتی میخواهد ترجمه بکند به مشکلاتی پی میبرد که در موقع خواندن عادی متوجه آن نمیشود .

بنده عرایض را کوتاه میکنم و قطعاً آقایان عزیز مطالبشان جالب تر است و يك نکته را عرض میکنم و آن موضوع گزارشهای سیاسی است که مرحوم فروغی در مأموریت‌های مختلف خودشان به وزارت خارجه میفرستادند مخصوصاً آن دوره ای که در آنکارا بودند و بعدها دوره هائی که در اجلاسیه جامعه ملل بودند این یادداشتها که بیشتر بخط خودشان و ماشین هم نشده با انشاء خوب و سلیس نوشته شده و انشاء ادبی ایشان در انشاء گزارشهای سیاسی ایشان هم منعکس است . بنظر بنده ارزش دارد که در وزارت خارجه آنها را از بایگانی خارج کنند و بصورت يك رساله چاپ



بکنند ، مسلماً برای کارمندان جوان وزارت خارجه سرمشق بسیار خوبی خواهد بود .

بنده عرایض را ختم میکنم . محاسن و مکارم مرحوم فروغی خیلی بالاتر از این است که من بتوانم عرض کنم همانطور که ترجمه يك شعری از يك زبان به زبان دیگر تقریباً غیر ممکن است و لطافت و ظرافت خود را از دست میدهد همینطور هم شرح زندگی کسی را گفتن غیر از آن است که انسان خود شخصاً با آن انسان از نزدیک آشنا باشد . این عرض بنده را آن اشخاصی که از نزدیک با مرحوم فروغی آشنائی داشته اند تصدیق خواهند فرمود .

### سخنران دگتر هیپسی صدیق

شادروان محمدعلی فروغی ذکاءالملک در طول عمر سراسر افتخارش شاغل عالی ترین مقامات ارجمند فرهنگی و قضائی و قانونگذاری و سیاسی بود چون ریاست مدرسه علوم سیاسی - نمایندگی و ریاست مجلس شورای ملی - ریاست دیوان عالی کشور - وزارت دادگستری و دارائی و جنگ و امور خارجه - نخست وزیری - ریاست فرهنگستان ایران - وزارت دربار ، و در هر مقام منشأ آثار جاوید بود و خدمات برجسته بشاهنشاه و میهن خود نمود و نام شریفش زیب صفحات تاریخ ایران است .

آغاز آشنائی بنده با آن بزرگوار از ۱۳۰۲ بود ، موقعی که وزارت خارجه را برعهده داشت . در آن تاریخ بنده در دارالمعلمین مرکزی ریاست مرحوم ابوالحسن فروغی برادر کهنتر و دانشمند او ، بتدریس زبان فرانسه و انگلیسی اشتغال داشتم و فرزندان برومند ذکاءالملک در آن مدرسه تحصیل میکردند . در اثر علاقه و افری که ذکاءالملک بفرهنگ داشت گاهی بدارالمعلمین سر میزد و برای تشویق معلمین و محصلین در هیئت های ممتحنه حضور می یافت . روزی که در جلسه امتحان شفاهی زبان فرانسه شرکت فرموده بود از پیشرفت محصلین اظهار خشنودی و نسبت بروش تدریس بنده ابراز کمال لطف فرمود و در تمام عمر این لطف و رفزونی رفت .

موضوعی که برای صحبت بنده در این مجلس معین شده طرز کار فروغی در اداره امور دولت است . بنابراین عرایض باید مربوط بر ریاست دولت او باشد . مرحوم فروغی سه بار بر ریاست دولت برگزیده شد . نخستین بار در آذر ۱۳۰۴ در آغاز سلطنت رضا شاه کبیر بود که زمامداری او حدود شش ماه بطول



انجامید، دومین بار از شهر یور ۱۳۱۲ تا آذرماه ۱۳۱۴ و دفعه سوم از شهر یور تا ۱۸ اسفند ۱۳۲۰. در شهر یور ۱۳۱۲ که بنده در دارالمعلمین عالی بتأسیس دانشگاه تهران مشغول بودم مرحوم فروغی وزارت فرهنگ را بمن تکلیف فرمود ولی بواسطه محظوراتی که در آن موقع وجود داشت و در جلد دوم کتاب یادگار عمر بدان اشارت رفته نتوانستم افتخار عضویت دولت او را پیدا کنم ولی در سایر امور با آن مرحوم در ارتباط بودم و از محضر شریفش مستفیض میشدم و باوصاف و مملکت او تاحدی پی میبردم. در آن زمان مرحوم فروغی ریاست انجمن آثار ملی را نیز بعهدہ داشت بنابراین در فراهم ساختن موجبات اتمام ساختمان آرامگاه فردوسی در ۱۳۱۲ و در تشکیل و کمک بداره کنگره بین المللی فردوسی در مدرسه دارالفنون و مسافرت خاورشناسان در مسیر همایونی بطوس در ۱۳۱۳، وظایفی که به بنده محول فرمود بانهایت صمیمیت انجام دادم. در ۱۳۱۴ نیز تجربیاتی را که راجع بوضع لغات و اصطلاحات علمی و فنی در شورای عالی نظام در ۱۳۰۳ و در دانش سرای عالی از ۱۳۱۱ تا ۱۳۱۴ بدست آمده بود در اختیار آن مرحوم گذاشتم که در تأسیس فرهنگستان ایران مورد استفاده واقع شد و از آغاز تشکیل آن مؤسسه بعنوان نیابت در خدمت آن بزرگوار بودم. شرح اقدامات او در فرهنگستان توسط جناب آقای دکتر رعدی باطالع حضار محترم خواهد رسید.

در مهرماه ۱۳۱۹ که تأسیس اداره کل انتشارات بعهدہ بنده محول شد مرحوم فروغی بفرمان رضاشاه کبیر صدارت شورای عالی انتشارات را مرکب از مرحومان علامه محمدقزوینی و دکتر غنی و دکتر شفق و جنابان دکتر سیاسی و دکتر محمود افشار و استاد علی نقی وزیری قبول فرمود و تا شهر یور ۱۳۲۰ در تعیین هدف و خط مشی اداره مذکور و حفظ و توسعه و ترویج فرهنگ ایران از راه رادیو و مطبوعات، مملکت را از نظریات عمیق خود بهره مند ساخت. در سوهمین دوره زمامداری آن مرحوم در شهر یور ۱۳۲۰ در اوضاع بحرانی و استثنائی کشور، ابتدا بعنوان رئیس کل انتشارات سپس بعنوان وزیر فرهنگ از نزدیک شاهد اقدامات و طرز کار او در اداره امور دولت بودم.

عصر روز چهارشنبه پنجم شهریور ۱۳۲۰ وقتی جناب آقای علی منصور نخست وزیر سه روز پس از حمله قوای بیگانه بایران استعفا داد، جناب آقای نصرالله انتظام رئیس کل تشریفات سلطنتی با تلفون از مرحوم فروغی دعوت کرد که در سعدآباد بحضور رضا شاه کبیر شرفیاب شود و کمی بعد با او توموبیل در بار



بمنزل او در خیابان سپه رفت و با او رهسپار سعدآباد شد. برفروغی و خانواده او که بواسطه ناراحتی قلبی در خانه او جمع بودند معلوم نبود دعوت برای چیست و در بازگشت اواز سعدآباد همین که برادر و فرزندان او مطلع شدند که آن مرحوم مأمور تشکیل کابینه شده دچار حیرت شدند و پرسیدند چگونه در آن موقع سهمناک با آن کسالت مزاج چنان مسئولیت خطیر را بعهده گرفته است. آن شادروان در جواب فرمود:

«مملکت شصت سال مرا در آغوش خود پرورده و درهای نعمت را بروی من گشوده و مرا بعالی ترین مقامات کشوری رسانده است و اکنون که رئیس مملکت احساس میکند که ایران بخدمت من احتیاج دارد چگونه ممکن است از رمقی که برایم باقیست دریغ کنم و لواینکه پایان حیات در نظرم مجسم شود؟» همین تقبل خدمت در آن تاریخ و در آن حالت درجه فدارکاری و میهن پرستی او را در خدمت به شاهنشاه و کشور روشن میسازد و نشان میدهد چگونه در حفظ قانون اساسی و استقلال مملکت کوشید و علی رغم مشکلات موجود با دوراندیشی کامل و منطق قوی و شهامت بی مانند تمایل قلبی رضاشاه کبیر را دایر بر گناره گیری از سلطنت و تفویض آن بجانشین قانونی خود شاهنشاه آریا مهر باحسن تدبیر و کمال آرامی و بیخستگی و ملایمت بر آورده ساخت و از مخاطرات سهمگین که کشور را تهدید می نمود جلو گیری کرد.

روز پنجم شهر یورپس از بازگشت مرحوم فروغی از سعدآباد، بمحض آگاهی از قبول زمامداری او بر حسب وظیفه اداری و بمقتضای ارادت دیرین و همکاری در شورای عالی انتشارات تا آن روز، بخانه آن مرحوم رفتم و از تقبل مسئولیت خطیر علی رغم کسالت و ضعف مزاج بعرض تشکر و تهنیت پرداختم. در جواب من فرمود: «گرچه موقع بسیار دشوار و مسائل بسیار غامض در پیش است که بنیه سالم و فعالیت شدید میخواهد معذک امیدوارم قضایا بزودی روشن شود و اوضاع متدرجا بحال عادی برگردد.» وقتی آخرین اخبار واصله را راجع به یমباران شهرها توسط قوای مهاجم و پیشروی قشون روس بطرف تهران باطلاع او رساندم، در آن ساعات پر از اضطراب چنان قدرت روحی و اخلاقی نشان داد و آثار اطمینان بنفس و اعتماد به آینده کشور و استواری و مردی و عظمت در وجنات او پدید آمد که من شدیداً تحت تأثیر قرار گرفتم و بدستور او همان شب در رادیو اعلام شد که ذکاءالملک بریاست دولت منصوب شده و بامداد روز بعد یعنی ششم شهریور ۱۳۲۰ هیئت وزیران جدید را به مجلس شورای ملی



معرفی خواهد کرد . همین اعلامیه بواسطه محبوبیت فروغی و اعتماد مردم بکفایت وتدبیر او در آرامش مردم وامیدواری و خوش بینی بحل قضایا تأثیر بسیار کرد.

یکی از مهمترین مشخصات طرز کار مرحوم فروغی در اداره امور دولت دقت فوق العاده بود در انتخاب اشخاص . او به شیخ اجل سعدی سخت ارادت میورزید و تقریباً تمام آثار او را برای طبع تنقیح و تصحیح کرده بود و بسیاری از اندرزه‌های او را از حفظ داشت و آنها را در زندگانی بکار می‌بست از جمله این دوبیت را

گرت مملکت باید آراسته      مده کار معظم بنو خاسته  
نخواهی که ضایع شود روزگار      بنا کار دیده مفرمای کار  
و در تشکیل دولت جدید که روز پنجشنبه ششم شهریور ۱۳۲۰ به مجلس شورای ملی معرفی کرد مدلول دوبیت مذکور را با تمام ضیق وقت و شتابی که در کار بود رعایت فرمود .

در آن ایام پراز نگرانی و آشوب مهمترین وظیفه دولت روشن ساختن سیاست مملکت نسبت بآینده و مذاکره بادل مهاجم بود . برای این کار فروغی بانصب مرحوم علی سهیلی بوزارت خارجه حسن انتخاب خود را نشان داد . سهیلی از اعضاء قدیمی وزارت خارجه بود و از اواخر ۱۳۰۰ خورشیدی قریب نو سال در مسکو زیر نظر تقی زاده مشغول مذاکره و عقد بآزرگانی و پستی و کنسولی بادولت جماهیر شوروی بود و زبان روسی را فرا گرفته بود و باعده‌ای از رجال روسیه آشنا شده بروحیه آنها پی برده بود و همین اوصاف موجب کامیابی او در مذاکرات با اسمیرنوف سفیر شوروی و دولت روس بود . حسن انتخاب دیگر فروغی در همان ایام تیره و تار مربوط بحکومت نظامی پایتخت بود در آن اوقات ستون پنجم در داخل کشور و رادیوهای بیگانه از خارج کشور در مردم تولید رعب و وحشت میکردند و اخبار دروغ و مدهش پراکنده می‌ساختند مانند بمباران سعدآباد توسط هواپیماهای روس و عزیمت رضاشاه کبیر باصفهان و تغییر پایتخت و حرکت قشون روس بطرف تهران . فروغی حکومت نظامی تهران را به سپهبد امیر احمدی واگذار فرمود که در آن موقع تنها افسری بود که مفتخر بدرجه سپهبدی بود و به شاهدوستی و قوت اراده و سرعت تصمیم‌مشهور بود . روزشنبه هفتم شهریور وقتی سپهبد امیر احمدی نخستین اعلامیه حکومت



نظامی را منتشر کرد و عده‌ای سواره نظام را مامور گشت در خیابانها نمود در روحیه مردم چنان تأثیر کرد که مغازه‌ها و دکانها ظرف سه چهار روز باز شد و کسانی که از ترس ناامنی عازم مسافرت بودند از حرکت منصرف شدند و کمبود خواربار که در اثر وارد نشدن آرد و گندم بشهر مردم را تهدید به قحطی میکرد بتدریج برطرف شد.

دومین مشخص عمده طرز کار فروغی در اداره امور دولت آزاد گذاردن **وزرا در کار خود بود** مشروط بر اینکه اولاً سیاست عمومی دولت را رعایت کنند و در کلیات امور خود را مسئول اعمال دولت بدانند ثانیاً تصمیماتی که میگیرند طبق قوانین موضوعه باشد. فروغی به کسانی که بهمکاری خود دعوت نموده بود اعتماد داشت و در جلسات هیئت دولت بآراء و عقاید هر يك از وزرا احترام میگذاشت و در امور داخلی وزارتخانه‌ها مداخله نمیکرد. خود بنده در وزارت فرهنگ و دانشگاه تهران تصمیماتی که طبق قانون اتخاذ کردم مانند دعوت هیئتی از استادان مامور دانشگاه کلمبیا برای معاینه مدارس ایران و کمک با اصلاحات آنها - تصفیه و اصلاح دانشکده حقوق و بعضی از ادارات وزارت فرهنگ - دادن اختیار حل و فصل امور بر رؤسای ادارات - تأسیس شورای فرهنگ در شهرستانها مستقلاً و بدون احتیاج بمراجعه بر رئیس دولت صورت گرفت تنها در مواقعی که به نخست وزیر شکایتی برده میشد، از وزیر مسئول در خلوت با نهایت ملایمت و ملاحظت توضیح میخواست و دستور مقتضی صادر میفرمود.

سومین مشخص عمده طرز کار فروغی در امور دولت **موقع شناسی** او بود. فروغی شم خاصی برای تشخیص بهترین موقع برای اقدام بهمهمترین و فوریترین کار داشت. هیچ فراموش نمیکند که روز جمعه هفتم شهریور ۱۳۲۰ بساعت ده و نیم شب آن رادمرد سالخورده بیمار از منزل خود بخانه من تلفون کرد و اعلامیه‌ای دیکته نمود که فوراً در رادیو منتشر شود. بدستور تلفونی بنده موسیقی آن ساعت رادیو قطع شد و اعلامیه دولت باطلاع عموم رسید. مفاد اعلامیه این بود که مردم متانت و خونسردی خود را حفظ کنند و به اراجیف و اخبار مفسده انگیز ترتیب اثر ندهند و مطمئن باشند که جای نگرانی نیست و دولت بوظایف خود عمل میکند و موجبات آسایش عموم اهالی را فراهم میسازد. در آن ساعت شب که عده‌ای از توانگران و صاحبان جاه و مقام از ترس بهم خوردن اوضاع و ورود قشون روس به تهران و علی رغم فقدان بنزین و تعطیل فروشگاههای



نفث و سایل عزیمت باصفهان و شیراز را تهیه میکردند اعلامیه دولت تأثیر فوق‌العاده در تسکین مردم کرد و مانع بی‌نظمی و هرج و مرج گردید.

این شم موقع شناسی را فروغی درمورد اخذ تعهد از دول مهاجم به تخلیه ایران از نیروهای بیگانه در پایان جنگ جهانی دوم بجدا کثر بکار برد. از ساعتی که زمام امور را بدست گرفت همواره در این فکر بود که پس از متوقف ساختن حرکت قشون روس بطرف تهران و بیرون آوردن مملکت از حال اشغال نظامی، برای بیرون رفتن نیروهای بیگانه از ایران دو خاتمه جنگ، تعهد رسمی بگیرد. در آن موقع دولت جماهیر شوروی در مقابل هجوم برق آسای قشون آلمان به قفقاز شمالی احتیاج حیاتی بکمک دولت انگلیس داشت و بحکم لزوم تاحدی به پیشنهادهای دولت انگلیس روی موافق نشان میداد.

فروغی میدانست که باسوابق رقابت دیرین انگلیس و روس، نفع انگلستان درین است که بعد از جنگ قشون روس از ایران خارج شود. از قرارداد عدم تعرض روس و آلمان مورخ مرداد ۱۳۱۸ و مواد محرمانه آن آگاه شده بود. اطلاع هم حاصل کرد که هجوم قشون روس بخراسان در سوم شهریور برخلاف موافقت و سیاست دولت انگلیس صورت گرفته. اختلاف بین دول روس و انگلیس را در یادداشت‌های متبادل با ایران از ۷ تا ۱۸ شهریور ۱۳۲۰ بویژه در قسمت امتیاز نفت خوریان و اختلاط نظامیان بیگانه با مردم ایران در مد نظر داشت، بنابراین موقع را مغتنم شمرد و بادولت انگلیس عقد قرارداد را در میان گذارد و برای نیل باین مقصود تقریباً هر روز سرریدر بولارد Sir Reader Bullard سفیر انگلیس را بمنزل خود دعوت میکرد و در شهریور و اوایل مهرماه بواسطه گرمی هوا در زیر زمین خانه خود با او خلوت و مذاکره میکرد و در باب عقد قرارداد پافشاری مینمود و معتقد بود تازمانی که احتیاج بحمل مهمات و خواربار از راه ایران فوق‌العاده شدید است باید قراردادی بسته شود و در کابینه‌ای که در روز ۳۰ شهریور ۱۳۲۰ تشکیل گردید و بنده وزارت فرهنگ و ریاست دانشگاه را بعهده داشت دولت انگلیس طرح قرارداد را تهیه کرد و توانست در اثر اوضاع جنگ در آن ایام، موافقت دولت شوروی را بدست آورد. متن انگلیسی قرارداد بدولت تقدیم و در وزارت خارجه بفارسی ترجمه شد و تطبیق متن با ترجمه بعهده بنده واگذار گردید و پس از طرح در جلسه هیئت وزیران بمجلس شورای ملی تقدیم شد و در بهمن ۱۳۲۰ بتصویب رسید و چهار سال بعد در ۱۳۲۴ که جنگ



پایان یافت و در موقع مقرر نیروی شوروی ایران را تخلیه نکرد بارادهٔ راسخ و شجاعانه شاهنشاه آریامهر شکایت ایران در شورای امنیت سازمان ملل متحد مطرح گردید ملاحظه شد قرارداد مذکور چه سند با ارزش وقایعی برای اثبات حق و پیشرفت مقاصد ایران بوده و بالاخره باعث بیرون رفتن قشون روس از ایران در اردیبهشت ۱۳۲۵ گردید .

این یود شمه‌ای از طرز کار فروغی در امور دولت در ایامی که بنده با آن مرحوم افتخار همکاری داشتم و در اینجا بطور نمونه بعرض رسید. فروغی علاوه بر احراز عالی‌ترین مراتب فضل و دانش که موضوع بحث آقایان مینوی و حبیب یغمائی است و علاوه بر خصائلی که از او ذکر کردم عارف و حکیم و خداپرست بود - آرامش خاطر و صفای باطن داشت - با اخلاص نام شاهنشاه را ستایش میکرد - در زمامداری او عقیده افلاطون که بهترین دولت آن است که حکیم حاکم شود مصداق پیدا کرد - در هر مقام که بود بدون تکلف و بسادگی میزیست - بمال و منال دنیا توجه نداشت - نسبت بامور مملکت راز دار بود و از تظاهر پرهیز میکرد - در استغناء طبع و عزت نفس و مناعت سرمشق بود. حقیقت آن که مکارم اخلاقی او بحدی است که من از ذکر تمام آنها عاجز دارم .

فنون و فضل و را غایتی وحدی نیست که نفس ناطقه را قدرت بیان ماند همین قدر کافی است عرض کنم که صفات و ملکات و خدمات فروغی بحدی بزرگ و برجسته است که اکنون دانشگاه تهران پس از ۲۹ سال که از رحلت او گذشته این مجلس را با حضور بزرگان و دانشمندان کشور برای تجلیل از شخصیت بارز او برپا کرده و بذکر جمیل از مناقب و مقامات معنوی اومی پردازد. خنک‌تنی که پس از وی حدیث خیر کنند که جز حدیث نمی‌ماند از بنی آدم

### سخنران خلامعلی رعدی آدرخشی

وظیفه‌ای که امروز بر عهده من محول شده و باعث افتخارم میباشد این است که درباره فروغی در فرهنگستان و عتاید او در باب زبان فارسی مختصری بعرض حضار گرامی برسانم .

بدیهی است که منظور از تعبیر «فروغی در فرهنگستان» بیان تأثیر شخصیت او در این مؤسسه میباشد . برای توضیح این تأثیر ناگزیرم قبلاً بعنوان مقدمه



بگویم که باعث قدامت و بدون کمترین مبالغه محمدعلی فروغی یکی از دانشمندترین و روشن بین ترین و بزرگترین رجال ایران در قرن حاضر بود. یکی از خصوصیات بارز او جنبه جامعیت کم نظیرش میباشد و این جامعیت بمرتک اوضاع و احوال استثنائی و متعددی برای اودست داده بود زیرا اولاهوشی سرشار و ذهنی جویبده و دقتی فراوان داشت. ثانیاً در خانوادهای تربیت شد که از میراث علم و ادب بهره مند بود. باین معنی که جدش از نخستین ایرانیانی است که بسابعضی از رشته های علوم جدید آشنائی یافته و درصدد ترویج آنها برآمدند. پدرش محمد حسین فروغی (ذکاءالملک اول) مردی ادیب و شاعر و نویسنده و مؤلف کتابهای متعدد و روزنامه نگاری روشنفکر بود که درتعلیم و پرورش دوفرزند خود محمد علی فروغی و ابوالحسن فروغی کوشش و اهتمام فراوان بکار می برد. محمدعلی فروغی که موضوع بحث ماست دراین محیط خانوادگی مساعد و مشوق قریحه و هوش فطری خود را بکار انداخت. علاوه بر فراگرفتن زبان و ادبیات فارسی و مقدمات زبان عربی و ورزش درفن نویسنده گی در اغلب رشته های معلومات جدید هم از فیزیک و شیمی و پزشکی و ریاضیات و هیئت گرفته تا فلسفه و علم حقوق و علوم سیاسی اطلاعات وافی بدست آورد. زبان و ادبیات فرانسه را بخوبی و زبان انگلیسی را در حد رفع احتیاج یاد گرفت و درفن ترجمه مهارت خاصی کسب کرد. فروغی بسبب این جامعیت و تنوع معلومات و احاطه بر مباحث علمی و ادبی و اجتماعی بساذوق سلیم و طبع معتدل و روح واقع بینی که داشت می توانست هنگام اظهار نظر و داوری و اخذ تصمیم درهر امری اعم از امور سیاسی و اجتماعی و فرهنگی رابطه آن را با سایر امور از مد نظر گذرانده و به روشنی درک و بیان کند و از خطر شیفته گی و اغراق و افراط و قضاوت یک جانبه یاشتاب زده برکنار بماند. بالاتر از همه اینها آن مرحوم از لحاظ مکارم اخلاقی و عوالم معنوی انسان بزرگی بود که باسانی حس احترام و اعتماد صاحب نظران را نسبت بخود جلب میکرد.

فروغی که دارای چنین جامعیت و شخصیت ممتازی بود، بجهاتی که در مقاله ای بی امضاء بنام «تاریخی از فرهنگستان ایران» در شماره اول سال اول مجله فرهنگستان شرح داده ام - و آن مقاله در مقدمه لغت نامه دهخدا هم درج شده است - در اوائل ۱۳۱۴ هجری خورشیدی و در زمان سلطنت اعلیحضرت



رضا شاه کبیر و با کسب اجازه از شاهنشاه فقید فرهنگستان ایران را، با همکاری وزیر معارف دانشمند و بلند همت خود جناب آقای علی اصغر حکمت تأسیس کرد. بطوریکه در آن مقاله به تفصیل ذکر شده است در سال ۱۳۱۳ «ناگهان اندیشه‌های تندی در باب اصلاح زبان و لغت و طرز نگارش فارسی بوجود آمد و علل و اسباب متعدد موجب ایجاد اضطراب و تشویش خاصی در اوضاع ادبی و لغوی ایران شد. بدین معنی که بقول مرحوم فروغی برای بعضی از علاقه‌مندان به ترقی زبان فارسی این فکر پیش آمد که برای معائنی که امروزه الفاظ فارسی برای آنها وجود ندارد یا استعمال نمیشود اصطلاحات وضع کنند لیکن غالباً دیده شد کارهایی که در این باب می‌کنند بی‌رویه است و از روی مبنای صحیح و ذوق سلیم نیست». عیب کار در این بود که در آن موقع عده‌ای از این اشخاص در اغلب وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی و غیر دولتی انجمن‌هایی تشکیل داده و هر کدام مطابق ذوق و سلیقه خود لغات و اصطلاحاتی حتی بجای کلمات معمول و مأنوس و رایج وضع و جعل کرده در مقالات و رسالات خود بکار می‌بردند و یکی از آن انجمن‌ها که در وزارت جنگ تشکیل شده بود غالباً با شتاب‌زدگی و بدون مطالعه کافی، هر هفته عده‌ی زیادی از لغات را که مدعی بود برخی از آنها از زبانهای قدیم قبل از اسلام ایران اقتباس شده با لطائف الحیل به تصویب مقامات عالی‌رسانه و استعمال آنها را بر وزارتخانه‌ها تحمیل میکردند. در نتیجه این وضع اغلب مقالات روزنامه‌ها و مکاتبات اداری نامفهوم شده بود و اگر آن روش دوام می‌یافت بزودی هرج و مرج چاره ناپذیری بر زبان فارسی مستولی میشد. در آن گیرودار که باز بقول فروغی «بادسفاhti میوزید» آن مرحوم باتوسل بمقام سلطنت و باتوضیح مطالب اجازه تحصیل کرد که برای پایان دادن با اقدامات خودسرانه و تفنّن آمیز بعضی از وزارتخانه‌ها و مؤسسات و بمنظور مطالعه دقیق و اخذ تصمیمات سنجیده در امر پیراستن زبان از الفاظ نامتناسب خارجی فرهنگستانی مرکب از دانشمندان و اهل لغت و محققان تشکیل شود و چون با این تدابیر توانست که دستگاههای گوناگون و رنگارنگ لغت‌سازی اشخاص غیر مسئول و انجمن‌های افراطی و یا غیر صالح را برچیند یکی از بزرگترین خدمات را درباره زبان فارسی انجام داد. بنابراین ایجاد فرهنگستان در آن موقع بحرانی در درجه اول مدیون شخصیت و موقع شناسی و چاره‌جویی مرحوم



فروغی بود . بار دیگر که شخصیت فروغی در فرهنگستان تأثیر بخشید هنگام تدوین اسانامه آن بود . برای اطلاع بعقاید آن مرحوم در خصوص مقاصد و وظائف فرهنگستان کافی است که بماده اول و دوم اسانامه آن مؤسسه مراجعه شود زیرا هر دو ماده بقلم اوست . بخاطر دارم که در اوائل سال ۱۳۱۴ که متصدی اداره کل انطباعات در وزارت معارف بودم بحضور آن مرحوم رفتم و درباره اینکه طرح اسانامه فرهنگستان چگونه تنظیم شود کسب تکلیف کردم . مرحوم فروغی که کاغذ سفید دم دست نداشت پس از چند دقیقه تفکر پاکتی که شامل يك نامه اداری بود از جیب خود در آورد و در اندك زمانی در پشت همان پاکت و در حضور من ماده اول و دوم اسانامه را که شاهکاری است از ایجاز و رسائی و ملاحظه کلیه دقائق و جوانب امر بخط خود نوشت و حضور ذهن و نظم فکری و احاطه او به موضوع مورد بحث مرا بشدت تحت تأثیر قرار داد .

آن دو ماه را میخوانم زیرا معتمد مندرجات آنها می تواند در زمان ما و تاسالیمان دراز در امر حفظ و توسعه و ترقی زبان و ادبیات فارسی راهنما و الهام بخش هر فرهنگستان واجد شرائطی باشد . از این گذشته این دو ماده اصول عقاید مرحوم فروغی را درباره زبان فارسی در بر دارد .  
ماده اول - برای حفظ و توسعه و ترقی زبان فارسی انجمنی بنام فرهنگستان ایران تشکیل میشود .

ماده دوم - وظائف فرهنگستان بقرار ذیل است :

- ۱- ترتیب فرهنگ بقصد رد و قبول اصطلاحات در زبان فارسی .
- ۲- اختیار الفاظ و اصطلاحات در هر رشته از رشته های زندگانی با سعی در این که حتی الامکان فارسی باشد .
- ۳- پیراستن زبان فارسی از الفاظ نامتناسب خارجی .
- ۴- تهیه دستور زبان و استخراج و تعیین قواعد برای وضع لغات فارسی و اخذ یارد لغات خارجی .
- ۵- جمع آوری الفاظ و اصطلاحات پیشه وران و صنعت گران .
- ۶- جمع آوری لغات و اصطلاحات از کتب قدیم .
- ۷- جمع آوری لغات و اصطلاحات و اشعار و امثال و قصص و نوادر و ترانه ها و آهنگ های ولایتی .



- ۸- جستجو و شناساندن کتب قدیم و تشویق بطبع و نشر آنها .
- ۹- هدایت افکار به حقیقت ادبیات و چگونگی نظم و نثر و اختیار آنچه از ادبیات گذشته پسندیده است و رد آنچه منحرف میباشد و راهنمایی برای آینده .
- ۱۰- تشویق شعرا و نویسندگان در ایجاد شاهکارهای ادبی .
- ۱۱- تشویق دانشمندان بتألیف و ترجمه کتب سودمند بفارسی فصیح و ما نوس .

## ۱۲- مطالعه در اصلاح خط فارسی .

بحث در این که فروغی در نوشتن این مطالب و انتخاب این الفاظ چه وسعت نظر و دقتی بکار بسته و از رعایت هیچ نکته‌ای فروگذار نکرده است می‌تواند موضوع رساله مفصلی باشد و مخصوصاً باید توجه داشت باینکه در نظرا و وظیفه فرهنگستان فقط پیراستن زبان از الفاظ نامتناسب خارجی نبوده بلکه وظائف خطیر دیگری هم داشته که اهم آنها مندرجات بند ۹ و ۱۰ یعنی هدایت افکار به حقیقت ادبیات و چگونگی نظم و نثر الی آخر ... و تشویق شعرا و نویسندگان بایجاد شاهکارهای ادبی بوده است .

اکنون این سؤال پیش می‌آید که فرهنگستانی که فروغی به تأسیس آن همت گماشت و چنین اساسنامه جامعی برای آن نوشت چرا آنچنانکه می‌بایست نتوانست وظائف خود را انجام دهد و پس از پنج شش سال فعالیت کم فایده عملاً دچار تعطیل شد . در جواب باید گفت که اولاً نفس تأسیس فرهنگستان در آن موقع ، بحران تب‌آلودی را که بر زبان فارسی عارض شده بود فرو نشانداگر این مؤسسه نتوانست با انجام وظائف مهم خود مستقیماً خدمت مثبتی در باره زبان فارسی انجام دهد لااقل موفق شد که زمام عمل را از دست گروهی افراطی بدر آورده و این خدمت منفی ولی قابل توجه را که عبارت بود از منع رواج هزاران لغت مجعول و ناما نوس در هر هفته و همراه تقدیم جامعه ایرانی کند . ثانیاً باید بخاطر آورد که فروغی که در خرداد ۱۳۱۴ در مقام نخست وزیر فرهنگستان را تأسیس کرد و در ماههای اول عملاً ریاست و اداره جلسات آن را برعهده گرفت بانهایت شور و شوق و علاقه و حسن تدبیر خط مشی و سیاست کلی آن را تعیین فرمود ولی در اواخر همان سال از سمت نخست وزیر و همچنین از ریاست عملی فرهنگستان برکنار شد . پس از وقایع شهریور ۱۳۲۰ نیز که



برای آخرین بار به نخست‌وزیری انتخاب شد از دی ماه ۱۳۲۰ تا تاریخ وفات یعنی تا پنجم آذرماه ۱۳۲۱ رسماً ریاست فرهنگستان را داشت ولی در این مدت کمتر از یکسال هم که مصادف با اشغال کشور از طرف قوای بیگانه بود و همچنین بسبب ضعف مزاج و بیماری که منتهی به مرگ تأسفانگیز او در ۶۷ سالگی شد نتوانست بوضع فرهنگستان که در فاصله ۱۳۱۵ و ۱۳۲۰ از وظائف اصلی خود منصرف شده بود سر و سامانی بدهد. من اطمینان دارم که اگر پیشآمدهای سیاسی موجب آن نمی‌شد که فرهنگستان در سالهای اول تأسیس خود از سرپرستی فروغی محروم بماند قسمت مهمی از مقاصد و وظائف مندرج در اساسنامه برآورده و انجام داده میشد زیرا سرپرستی فروغی جنبه تشریفاتی نداشت و منحصر با اداره جلسات نبود بلکه او در این مقام از طرفی این مؤسسه را در برابر فشارها و توقعات بیجای بعضی از مقامات و گروههای متنفذ حمایت میکرد و از طرف دیگر مانند يك مرشد و راهنمای مورد احترام می‌کوشید که در داخل فرهنگستان بین اعضاء آن که بعضی تندرو و بعضی میانه‌رو و برخی محافظه‌کار بودند با استدلالی متین و بیانی دلنشین توافق و حسن تفاهمی برقرار کند. بیاد دارم که در سال ۱۳۱۴ دو تن از اعضاء افراطی فرهنگستان در یکی از جلسات اصرار داشتند که يك کلمه ثقیل و نامأنوس زبان اوستائی بعنوان معادل يك کلمه عربی رایج و ساده مستعمل در فارسی پذیرفته شود. مرحوم عبدالعظیم قریب با این پیشنهاد مخالف بود و میگفت اولاً این کلمه عربی هزار سال است که در فارسی وارد و معمول شده و جزء دارائی زبان ماست. ثانیاً زبان اوستائی مرده و متروک شده و کلمات آن با کلمات فارسی امروزی هماهنگی ندارد. دوعضو افراطی از این بیان مرحوم قریب برآشفند و غوغائی برای انداختند و گفتند شما حق ندارید که به زبان اوستائی که زبان مقدس نیاکان ماست اهانت کنید و آن را زبانی مرده بخوانید. در این اثنا مرحوم فروغی که رئیس جلسه بود بی‌آنکه یکی از دو طرف بحث را مستقیماً مورد حمایت یا ملامت قرار دهد ناگهان رشته سخن را بدست گرفت و بامتانت تمام از فرد فرد حضار پرسید آیا پدر او مرحوم محمد حسین فروغی را می‌شناختند یا نام او را شنیده‌اند؟ يك اعضاء فرهنگستان جواب مثبت دادند و هر کدام شرحی درباره فضائل محمد حسین فروغی بیان کردند. آنگاه مرحوم محمدعلی فروغی گفت آقایان بشهادت همه شما پدر من مردی دانشمند و ارجمند بوده و من بفرزندی او مفتخرم. با این وصف اگر همه شما بمن بگوئید که پدرت مرده است من حق ندارم از شما برنجم زیرا مسلم است که پدرم مرده است.



زبان اوستائی هم درست است که زبان مقدس نیاکان ما بوده است ولی چه میتوان کرد آن زبان هم مرده و متروک شده و انصاف نیست که مابکسی که این حقیقت واضح را اعلام میکنند بتازیم و در وطن پرستی اوتردید روا داریم . این بیان شیوا و این استدلال سقراطی فروغی مانند آبی که بر آتش ریخته شود جلوه را بحال عادی در آورد و بحث دره حیطی آرام و دور از هیاهو ادامه یافت .

فروغی در ۱۳۱۴ برای روشن ساختن اذهان در باره اهمیت وظائف فرهنگستان خطابه‌ای تحت عنوان «فرهنگستان چیست» ایراد کرد و در ۱۳۱۵ پس از برکناری از ریاست فرهنگستان همین که احساس کرد که آن مؤسسه بتدریج از وظائف اصلی خود منحرف می‌شود و حتی در امر انتخاب معادل برای الفاظ عربی و فرهنگی غالباً برخلاف اصول و قواعد صحیح عمل میکند کوشید تا بلکه بامتوجه ساختن افکار عمومی ، در حد امکان از این وضع جلوگیری کند و بدین منظور در آن سال نامه مفصلی در ۶۸ صفحه بنام پیام من بفرهنگستان نوشت و بچاپ رسانید .

خطابه و نامه مذکور از آثار ارزنده فروغی است و در آنها عقاید خود را در باره فرهنگ و ادبیات و زبان و در باب عیوب و نقائص زبان فارسی امروزی و خطرهای کنونی و آینده و راه رفع این عیوب و جلوگیری از آن خطرها بیان کرده است و چون وقت محدود اجازه نمیدهد که حتی خلاصه آنها را نقل کنم ناگزیر در باره عقاید فروغی در باب زبان فارسی بآن مقدار که ضمن اشاره به ماده اول و دوم اساسنامه معروض داشتم اکتفا میکنم و از حضار محترم تمنی دارم برای مزید توضیح بآن دوسند مهم مراجعه فرمایند . همچنین امیدوارم اولیاء ارجمند دانشگاه تهران که با اقدام به تشکیل این مجلس یادبود موجبات امتنان همه علاقه‌مندان به تجلیل از مفاخر کشور را فراهم آورده‌اند بساتجدید چاپ و سعی در نشر خطابه و پیام مورد بحث که قواعد سالم ساختن و غنی ساختن و توسعه زبان فارسی را در زمینه‌های علمی و ادبی در عین حفظ اصالت آن به روشن‌ترین و قانع‌کننده‌ترین و جامع‌ترین وجهی بدست میدهند چراغی فراراه کسانی بگیرند که بخواهند در این راه دور از شائبه دعوی و تعصب جاهلانه و تظاهر قدمی بردارند .

در خاتمه از اظهار این نکته نمی‌توانم خودداری کنم که خدمات فروغی بزبان و ادبیات فارسی مانند سایر خدمات اجتماعی او فراموش شدنی نیست و چنانکه دوست دانشمند جناب آقای دکتر علی اکبر سیاسی رئیس اسبق دانشگاه تهران چند هفته یا چند ماه پس از درگذشت آن مرحوم بیان داشتند شخصیت



فروغی مانند يك تابلو نقاشی گرانبهائی است که برای اینکه بهتر به‌زیبائی آن پی ببریم باید چند قدم عقب‌تر برویم . اکنون که سی‌سال از مرگ آن بزرگوار گذشته این معنی حاصل شده و با گذشت زمان قدر و منزلت والای او بیشتر و بهتر آشکار خواهد شد .

### مخزن هجتهی هینوی

پنجاه و پنج سال پیش ازین بود (۱۳۳۶ قمری) که بنده در کلاس اول دارالفنون درس می‌خواندم . روزی بما اعلام داشتند که امروز بعد از ظهر در ایوان غربی دارالفنون کنفرانسی داده خواهد شد آنجا حاضر شوید . کنفرانس دهنده مرحوم میرزا محمدعلی‌خان ذکاءالملک فروغی بود و موضوع کنفرانس تحقیق در احوال فردوسی‌طوسی . در آن روز در خارج ایران جنگ جهانی اول مشتعل بود .

مرحوم ذکاءالملک در آن سال درست بیاد ندارم که رئیس دیوان‌عالی‌تیم بود یا کار دیگری داشت ، اما ما شاگردان دارالفنون با اسم او آشنا بودیم و می‌دانستیم که در جزع‌کارهای دیگر در مدرسه علوم سیاسی هم درس می‌دهد و برادرش میرزا ابوالحسن‌خان فروغی‌را مکرر دیده بودیم که در کلاسهای بالاتر از کلاس ما در همان دارالفنون درس می‌داد . اما اولین مرتبه بود این مردی‌را که از رجال مهم مملکت ایران بود از نزدیک می‌دیدم و صدای آرام و با وقار و با طمأنینه او را می‌شنیدم ؛ اولین دفعه بود که با جزئیات احوال فردوسی بآن نحو که مرحوم فروغی تقریر می‌کرد آشنا می‌شدم ؛ اولین بار بود که نامه‌های مستشرقینی مثل ژول‌مهل و باریه دومینار و نلدکه را می‌شنیدم اگرچه چندسال طول کشید تا اهمیت تحقیقهای آنان بر من معلوم شد .

تاریخ مختصر ایرانی که ما در کلاس پنج و شش ابتدائی خوانده بودیم تألیف همین محمدعلی‌خان فروغی بود و این جمله اول آن برای ما ضرب‌المثل شده بود که : مملکت ما ایران است و ما ایرانی هستیم و پدران ما هم ایرانی بوده‌اند . در سالهای مدارس متوسطه يك تاریخ ایران مفصلتر بما درس دادند که آن را هم همین محمدعلی‌خان ترجمه و تألیف کرده بود ولی پدر او مرحوم محمدحسین ذکاءالملک فروغی آن را نگارش کرده بود ، سالها گذشت تا دانستم که در تألیف قسمت تاریخ اسلام این کتاب مرحوم میرزا شیخ محمدخان قزوینی هم قبل از رفتن بفرنگستان دست داشته است .

بعدها کتابی در علم بدیع و کتابی دیگر در تاریخ ادبیات و احوال شعرا در مدرسه درس خواندیم که آنها هم نوشتهٔ مرحوم محمد حسین خان ذکاء الملک بود وقتی که می‌خواستیم کتابی خارج از کتب درسی بخوانیم هم باز با نام ذکاء الملک فروغی اول رو برو می‌شدیم و کتابهایی بما توصیه می‌شد از قبیل عشق و عفت، کلبهٔ هندی، عجز بشر، سفر هشتاد روزهٔ دور دنیا، بوسهٔ عذرا، غرائب زمین و عجائب آسمان، و امثال اینها - کما بهائی که انشاء و نگارش محمد حسین خان فروغی بود اگر چه اشخاص دیگری، و من جمله محمد علی خان پسر فروغی و شیخ محمد قزوینی و غیرهم آنها را تألیف یا ترجمه کرده بودند. در دارالمعلمین مرکزی که داخل شدم رئیس مدرسه مرحوم میرزا ابوالحسن خان فروغی بود که اصول تعلیم و تربیت و منطق و تفسیر را بما درس می‌داد، و در کلاس مدرسه با دو تن از پسران محمد علی فروغی هم درس بودیم، آقا محسن خان و آقا جواد خان. خلاصه اینکه تمام دورهٔ درس خواندن و نشو و نماي ما با تألیفات فروغیا و اسم خاندان فروغی بهم پیچیده بود. اوراقی مشوش را که مجموعهٔ مقالات میرزا ابوالحسن خان بود خوانده بودم و سعی کرده بودم که بفهمم. دورهٔ نزدیک بکاملی از نه سالهٔ جریدهٔ تربیت بمن دادند و من بسیاری از اوقات بخواندن مقالات آن مشغول میشدم. در مدرسهٔ دارالمعلمین مرکزی دو مجلهٔ اصول تعلیم و فروغ تربیت منتشر می‌شد که ما شاگردها غالب آنها را می‌خواندیم. يك وقت معلم ما مرحوم میرزا عبدالعظیم خان قریب گرگانی بمن تکلیف کرد که در شرح حال فردرسی و راجع به شاهنامهٔ او گفتاری تهیه کنم و در سر کلاس بخوانم. اما شاهنامه نداشتیم. آقا جواد خان نسخه‌ای از شاهنامهٔ چاپ بمبئی بمن امانت داد. دو سه ماهی نزد من بود تا گفتار خود را تهیه کردم و ابیاتی از شاهنامه بر گزیده ضمیمهٔ آن کردم. در ضمن مملکت شدم که متن این شاهنامه تصحیح کردهٔ مرحوم آقا محمد مهدی ارباب اصفهانی است که پدر محمد حسین خان ذکاء الملک فروغی بوده است. بعدها دانستم که این آقا محمد مهدی ارباب از فضلا و ادبای بنام بوده و تألیفات متعدد داشته است من جمله کتابی در باب تاریخ و جغرافیای اصفهان بنام « نصف جهان » نوشته بوده است و تاریخ و صاف چاپ بمبئی هم به اهتمام همان آقا محمد مهدی ارباب بطبع رسیده بوده است، هنوز شاگرد دارالمعلمین بودم که به بنده اجازه دادند برخی شبهای هفته که مرحوم ادیب پمشاوری بخانه

۵ در باب مرحوم میرزا ابوالحسن خان ممکنست عقاید مختلف باشد. بنده همین قدر می‌دانم که گردنم زیر بار منت اوست.



مرحوم فروغی می آمد بنده هم شبها آنجا حاضر باشم و شعرهای او را که شیخ الملک اورنگ می خواند بشنوم. آن نسخه شاهنامه ای که مرحوم جوادخان بمن امانت داده بود اختصاص دیگری داشت :

در سراسر کتاب پهلوی روی بعضی از بیت های آن با مرکب سیاه نقطه ای گذاشته بودند و آن را با اصطلاح برگزیده و منتخب کرده بودند . سالها گذشت و دور روزگار اقتضا کرد که من بسا مرحوم محمدعلی فروغی ذکاء الملک در سالهای مقارن جشن هزاره فردوسی نزدیکتر شوم و با آن مرحوم در تهیه خلاصه ای از شاهنامه همکاری کنم . این خلاصه شاهنامه همان ابیات نقطه گذاری شده آن نسخه شاهنامه بود که عرض کردم. آقا محمودخان فروغی و همشیره ایشان از روی آن متن چاپی اینهارا پاک نویس می کردند، مرحوم فروغی و بنده صبحها از ساعت هفت و نیم تا ده آنها را با هم می خواندیم و با نسخ خطی و عکسی و چاپی مقابله و تصحیح می کردیم و بمباشرت بنده در چاپخانه مجلس چاپ می شد . در مقدمه این خلاصه شاهنامه شرحی نوشته است بصورت نامه ای خطاب به دوستی مهربان که از لطیفترین نوشته های فروغی و از لطیفترین و مؤثرترین مقاله های مربوط به فردوسی است که بنده خوانده ام، و بهمین جهت بار دیگر آن را در جزء مقالات راجع به هزاره فردوسی طبع کردیم . گمان نمی کنم افشای رازی باشد اگر امروز که ۲۹ سال از فوت فروغی می گذرد اینجا بگویم که در آن ایام مکرراً اظهار می کرد که آرزویی جز این ندارم که با من کاری نداشته باشند و از خدمات دولتی معاف بدارند و بگذارند که در گوشه ای بنشینم و به تألیف و ترجمه و تصحیح و تحشیه متون قدیم بپردازم .

غیر از خطابه ای که مرحوم فروغی در دوران جنگ اول جهانی در ایوان دارالفنون ایراد کرده بود دو خطابه دیگر نیز بنده از آن مرحوم شنیدم که متن هر دو را انجمن آثار ملی چاپ کردند ، یکی مشاهدات و تفکرات آن مرحوم بود درباره آثار ملی در ضمن سفری به اصفهان و پارس که روز ۲۸ اردیبهشت ماه ۱۳۰۶ هجری شمسی در سالن معارف ایراد کرد . دیگر کنفرانسی بود بالنسبه طولانی و مفصل در خصوص فردوسی که در بهمن ماه ۱۳۱۳ در طالار دانش سرای عالی ایراد کرد ، و در آن موقع فروغی رئیس الوزراء و رئیس انجمن آثار ملی بود و همان مواقعی بود که مشغول طبع خلاصه شاهنامه بودیم .

بمناسبت گفتگو از کنفرانسهای مرحوم فروغی از يك خطابه دیگر آن بزرگوار نیز یاد می کنم که آن را در پاریس در مهر ماه ۱۳۰۸ در سفارت ایران

از برای محصلین ایرانی گفته بود و موضوع آن جامعه ملل بود و در آن موقع فروغی نماینده ایران در جامعه ملل بود و شرحی که در این باب ایراد کرده است از برای آشنا کردن محصلین ایرانی با موضوع، بسیار مفید و سودمند بود و هنوز هم خواندنی است.

این مطلب مرا به شیوه انشای مرحوم فروغی می کشد: برخلاف مرحوم پدرش که او اهل سجع سازی و عبارت پردازی بود محمدعلی فروغی چنان می نوشت که حرف می زد، یعنی به انشائی شبیه به مکالمه و محاوره مردم تربیت شده فارسی زبان. هرگز دنبال بکار بردن الفاظ قلنبه و اصطلاحات غلیظ نمی رفت؛ البته آنجا که باید اصطلاحی فنی یا علمی بکار برد از استعمال آن مضایقه نداشت. مثلاً نکات مربوط به فلاسفه اروپا و افکار ایشان را که در کتاب «سیر حکمت در اروپا» بایست بیان کند ناچار با اصطلاحات خاص ایشان بیان کرده است، ولی انشاء او بقدری ساده و لطیف است که بر هر کس که با اصطلاح آشنا باشد فوراً مفهوم، و مثل شکر پنیر در دهن آدم آب می شود، و اشکالی که در فهم متون فارسی برای خوانندگان پیش می آید در قرائت نوشته های فلسفی مرحوم فروغی، چه مربوط به دکارت و سقراط و افلاطون باشد چه مربوط به ابن سینا، پیش نمی آید.

خیز تا بر کلک آن نقاش جان افشان کنیم

کاین همه نقش عجب در گردش پرگار داشت  
بعضی از ترجمه ها و تألیفها را که محمدعلی فروغی در زمان حیات مرحوم پدرش کرده بوده است محمدحسین ذکاءالملک از نو نگارش کرده و به انشای خود آراسته است، مثل: کتاب «چرا؟ باین جهت» که نیمی از آن ترجمه میرزا محمدخان بن ذکاءالملک بوده است؛ و کتاب عشق و عفت که شرح راجع بتاریخ و جغرافیای اسپانیا در آن کتاب تألیف میرزا محمدعلی خان بوده است؛ و کتاب حقوق اساسی یعنی آداب مشروطیت دول تألیف میرزا محمدعلی خان که مرحوم پدرش بر آن مقدمه نوشته و بعد نیست که در انشای کتاب هم دست برده باشد؛ دوره تاریخ ملل قدیمه مشرق و تاریخ ایران که اصل آن تألیف سنوبوس بوده است ترجمه میرزا محمدعلی خان بوده و در طبع دوم آن کاملاً متابعت از سنوبوس نشده، بلکه اضافاتی نسبت به آن دارد، بخصوص جزء مربوط بتاریخ ایران که مجلدی جدا گانه کرده اند بسیار مفصل و باندازه تمام تاریخ ملل قدیمه مشرق شده است؛ این دو جلد تا سالهایی که بنده در مدارس متوسطه تحصیل می کردم هنوز کتاب درسی بود و تاریخ ایران آن را حتی در حدود ۱۳۰۲ شمسی هم در



دارالمعلمین مرکزی می خواندیم. کتاب اصول علم ثروت مثل یعنی اکونومی پولیتیک ترجمه و نگارش میرزا محمدعلی خان ابن ذکاءالملک در ۱۳۲۳ هجری قمری در مطبعه شاهنشاهی به طبع رسیده، و بنابراین قبل از فوت مرحوم ذکاء الملک اول منتشر شده است ولی من دلیلی بدست نیاوردم براینکه پدر در انشای پسر در این مورد تصرفی کرده باشد.

بوسه عذرا یا بت روئین در دو جلد از کتبی است که مرحوم محمدعلی فروغی در ترجمه آنها دخالت داشته است: اصل این قصه بزبان انگلیسی بوده است و نویسنده آن جرج رینولدز از نویسندگان تندکار و پرکار انگلستان در قرن نوزدهم میلادی بود، اما امروزه هیچ يك از کتب او در خود انگلستان طالب و خواننده ندارد. این کتاب بوسه عذرا را در هندوستان بزبان اردو یا هندی ترجمه می کردند و جزوه جزوه با یکی از مجلات هندی از برای مشترکین می فرستادند یک نفر از مترجمین دارالترجمه همایونی و کارمندان اداره انطباعات دولتی بنام سید حسین شیرازی که بعدها با لقب صدرالمعالی دادند این جزوه های بزبان هندی را بتدریج بفارسی ترجمه می کرده و تا بجائی رسانیده بوده است که ترجمه هندی منشتر شده بوده. ولی مجله دیگر نشر نمی یابد یا این قصه دنباله اش در هندی مقطوع می شود و کار ناتمام می ماند، بهر حال ناچار میشود اصل کتاب را از انگلستان بخواهند، و مرحوم میرزا محمد علی خان آن را از انگلیسی بفارسی در آورد. مجموع این اوراق مترجم را مرحوم محمد حسین ذکاءالملک می گیرد و بسبک مخصوص خود، یعنی انشای مصنوع و مسجع و مزین، نگارش می کند. دو نسخه از جلد دوم کتاب بنام کشف الاسرار که بخط نستعلیق بسیار خوش در سال ۱۳۱۰ هجری قمری نوشته اند جزء کتابهای نمایش داده شده موجود است که یکی از آنها همه تصاویر نسخه اصل انگلیسی را نیز دارد و معلوم است که از برای این نوشته اند تا از رویش چاپ کنند. اما کتاب در عهد ناصرالدین شاه چاپ نشد، و ماند تا بعهد محمدعلی شاه در طهران بطبع رسید. از نسخه چاپی يك مجلد حاوی هر دو جلد در خاندان فروغی محفوظ است که آن را مرحوم محمدعلی فروغی بار دیگر خوانده و چنانکه ذوقی او اقتضا می کرده است از ابتدا تا انتهای آن را اصلاح کرده و زواید را قلم زده است و بسیار مناسب است که از روی نسخه کتاب تجدید چاپ شود.

تاریخ ساسانیان که از روی کتاب را کینسن ترجمه شده است از کارهای میرزا محمدعلی خان است و آن را پدرش میرزا محمد حسین خان نگارش کرده و به انشای مزین و مسجع خود در آورده است. چاپ این کتاب در دو مجلد در سال

های ۱۳۱۳ تا ۱۳۱۶ هجری قمری در طهران بپایان رسیده، و این هم از جمله کتبی بود که ما خارج از کتب درسی می خواندیم.

جزء نسخه های نمایش شده يك نسخه خطی از ترجمه كتاب شجرة اترك تألیف ابوالغازی بهادرخان دیده میشود که در سال ۱۳۲۴ هجری قمری یعنی در حیات مرحوم ذكاء الملك اول ترجمه شده است. اصل کتاب پترکی بوده و در اروپا با ترجمه آلمانی آن چاپ شده بود و در ۱۷۲۶ هم ترجمه فرانسوی آن منتشر شده بوده و من گمان می کنم این ترجمه فارسی از روی آن ترجمه فرانسه حاضر شده باشد و بنابراین با احتمال قوی ترجمه محمد علی فروغی است نه ترجمه پدرش، و نسخه بخط خود مترجم است و قابل این است که چاپ بشود.

چاپ دیوان نظم و نثر ذكاء الملك اول در ۱۳۱۸ شروع شده بود و ترجمه ریحانة الافکار را از عربی میرزا رضای کلهر با آن خط زیبای خود برای این چاپ نوشته بود ولی کار آن تا ۱۳۲۵ که سال آخر زندگانی صاحب آن بود طول کشید. پس از فوت او دو فرزندش میرزا محمد علی خان و میرزا ابوالحسن خان در ۱۳۳۳ دوره علم بدیع و دوره تاریخ ادبیات ایران و تاریخ شعرا را که مبتنی بر درسهای مرحوم پدرشان و بعضی مقالات متفرقه دیگر بود جمع آوری کردند و در يك مجله منتشر ساختند و در حقیقت نشر نوشته های نثر او را بمرحله کمال نزدیکتر کردند.

تاریخ مختصر دولت قدیم روم را در ۱۳۲۷ میرزا محمد علی خان ذكاء الملك به سفارش مرحوم مؤتمن الملك که وزیر معارف و اوقاف بوده است تألیف کرده، و اساس این تألیف کتاب تاریخ رم سنیوبوس بوده است.

حکمت سقراط را که عبارت از ترجمه چهار رساله از رسائل افلاطون باشد مرحوم محمد علی فروغی در ۱۳۰۴ هجری شمسی ترجمه و نگارش کرده بطبع رسانید. بعدها در ۱۳۱۶ مجموعه ای از رساله های ترجمه شده از افلاطون را در دو مجلد، کلاً حاوی شش رساله، بضمیمه متن خطابه ای که در شرح حال افلاطون و فلسفه او در پنج مجلس در دانشکده معقول و منقول ایراد کرده بود، طرح ریخت که منتشر کنند. جلد دوم هنوز منتشر نشده بود که درگذشت و چراغ عمر پربرکات او خاموش شد، آن جلد دوم را دوست گرامی آقای حبیب یغمائی در ۱۳۲۲ منتشر ساخت.

از جمله نوشته های بسیار دلچسب و فایده بخش مرحوم فروغی جزوه ای است بنام اندیشه دور و دراز، که در استانبول نوشته و همان جا بطبع رسانیده و



حقیقهٔ اندیشهٔ دور و دراز است که در آن زندگانی چندین میلیون سال آیندهٔ نوع بشر را از مد نظر گذرانیده و پیش بینی کرده است که این نوع بصورتی عجیب و غریب درخواهد آمد. آنچه بسیار مغتنم است اعتراف صریحی است که در ابتدای این رساله کرده است، می گوید: «بی تمهید مقدمه بگویم که من به فلسفهٔ تکامل یا نشو و ارتقاء یا رأی تحول انواع موجودات معتقدم» - و این اقرار او در زمانی که هنوز بعضی از علمای دین بر اصول نظریهٔ داروین رد می نوشتند حاکی از کمال جرأت است.

دورهٔ کتاب سیر حکمت در اروپا را مرحوم فروغی در سال ۱۳۱۰ شروع کرد و در آخر جلد اول آن ترجمهٔ Discours de la méthode دکارت را جا داده و به قرن هفدهم ختم کرد. در سالهای ۱۳۱۸ تا ۱۳۲۰ دو جلد دیگر بر آن افزود و تاریخ فلسفهٔ اروپا را تا زمان خود ما رسانید.

خلاصهٔ شاهنامهٔ فردوسی چنانکه گفتم مبتنی بر انتخاب قدیمی بوده است که آن مرحوم بوسیلهٔ نشان گذاشتن در کنار ابیات منتخب، کرده بوده است و اتفاقاً در سال ۱۳۱۳، موقع جشن هزارهٔ فردوسی، وسایل طبع آن را وزارت فرهنگ فراهم آورد. انتخاب بطوری شده است که هیچ داستانی ناقص نشده است و ابیاتی که بجهت ارتباط مطلب لازم بوده است ولو اینکه ابیات برجسته و ممتازی هم نبوده حفظ شده. برای مقابلهٔ آنها نسخهٔ شاهنامهٔ بایسنغری را از کتابخانهٔ سلطنتی، دورهٔ چاپ پاریس را از انجمن زردشتیان، يك نسخهٔ خطی قرن هشتم را از مرحوم دکتر سعیدخان کردستانی امانت گرفته بودیم و عکس نسخهٔ مورخ ۷۹۶ قاهره را با چاپ فولرس در دست داشتیم و آنجا که اشکالی در فهم بیتی پیش می آمد یا شکی در اصالت ابیاتی و ضبط الفاظی حاصل می شد به آن منابع رجوع می کردیم. افسوس که نسخهٔ قاهره دیر بدست ما رسید و رنه مقدار زیادی از ابیات غیر اصیل از این خلاصه حذف می شد.

بنده در باب این خلاصهٔ شاهنامه قدری تفصیل دادم از این بابت که در ایام اخیر عمر آن مرحوم خانمی برداشت و در جریده‌ای نوشت که این خلاصهٔ شاهنامه کار پدر او بوده است که به مرحوم فروغی امانت داده بوده است؛ این دروغ صرف و بهتان محض بود و در همان زمان هم مرحوم ملک الشعرای بهار که شاهد کار ما بود و چندبار درحالی که مباحث مشغول تهیهٔ خلاصه بودیم بدیدن فروغی آمده بود در همان جریده سخنان آن خانم را تکذیب کرد.

سه تا از نمایش نامه‌های مولیر را هم مرحوم فروغی ترجمه‌ای کرده است که اقتباس گونه یا ترجمهٔ آزاد بایست نامید. من جمله تارتوف بود که در این

زمان به مرحوم عبدالحمین نوشین داد، و او با گروه تئاتری خود آن را روی صحنه آورد.

هنگام نمایش دادن آن بنده دیگر در طهران نبودم و آن را ندیدم. در همه این نمایش نامه ها مرحوم فروغی اسمها را فارسی کرده، مثل کمال الدین و غیره. حق این است که همه این سه نمایش نامه را بدست آورده چاپ کنیم و منتشر سازیم. اگر چنان شود که در صفحه مقابل هر صفحه متن فرانسوی هم بطبع برسد درجه و میزان تصرفی را که فروغی در اقتباس و ترجمه و نگارش خود کرده است میتوان سنجید.

کتاب آئین سخنوری و معرفی خطابه های معروف در دو مجلد نیز از جمله تألیفات همین دوره است.

در سال ۱۳۵۶ هجری قمری بمناسبت گذشتن هفتصد سال قمری از تاریخ تألیف گلستان حکومت ایران و رجال علم و ادب مصمم شدند کلیات سعدی را بصورتی شایسته طبع و نشر کنند. قرعۀ این فال بنام مرحوم فروغی زده شد و ازو بهتر کسی نمی شد یافت.

دوست ما حبیب یغمائی هم برای همکاری با آن مرحوم برگزیده شد و کلیات سعدی را در مدت پنج سال (از ۱۳۱۶ تا ۱۳۲۰) از روی قدیمترین نسخی که در ایران و اروپا بدست آمده بود تصحیح و در چهار مجلد منتشر کردند. گلستان و بوستان که دو کتاب جدا بوده است جدا گانه چاپ شد، تمام غزلیات عاشقانه سعدی را از هر چهار مجموعه غزلیات قدیم و بدایع و طبیات و خواتیم بیرون کشیده در یک ترتیب متوالی الفبائی، بر حسب قوافی ابیات، مرتب کرده اند و این را یک مجلد قرارداد، و غزلیاتی را که حاوی عرفان و پند و نصیحت و اخلاق است با قصاید فارسی و قصاید عربی و مرثیاتی و مقطعات و حکایاتی به نثر که غیر از گلستان از سعدی مانده (یعنی مجالس و غز) و حکایاتی راجع به زندگانی سعدی همه را تحت عنوان مواعظ یک مجلد کرده اند و حتی رسالۀ صاحبیه را که سعدی از برای یکی از دو صاحب دیوان جوینی (علاء الدین عظاملک یا شمس الدین محمد) تألیف کرده بوده، و نثر آن حاوی نصایحی در باب مملکتداری و قطعات نظم آخر خطاب به صاحب دیوان بوده و یا از زبان او سروده شده بوده، تجزیه کرده و نثر آن را جدا گانه تحت عنوان نصیحة الملوك و نظم آن را جزء قطعات منظوم در مواعظ، آورده اند.

گویا مرحوم فروغی متوجه نبوده است که این تقسیمات و دفترهای جدا



جدای کلیات سعدی توسط خود سعدی در اواخر عمر او ترتیب داده شده بود و تازمان ما هنوز نسخه‌های بسیار، چه قدیم و چه جدیدتر، یافت می‌شود که بهمان شیوه مرتب است و حتی غزلیات هم در هر چهار مجموعه مختلف بر حسب ترتیب سرودن ضبط و تدوین شده و رعایت ترتیب الفبائی بر حسب حروف قوافی در آنها نشده است. شاید اگر متوجه می‌شد که این ترتیب از خود سعدی است نه از دیگران، از مبادرت در بهم زدن ترتیب کتابها و مخلوط کردن شعرهای دوره‌های مختلف با یکدیگر، خودداری می‌فرمود.

اما متنی که برای این چهار جلد حاضر کرده است تا آن زمان بهترین متنی بود که از کلیات سعدی بدست مردم داده شد، و هنوز هم چاپی بهتر از آن از همه کلیات بیرون نیامده است (البته مرادم چاپی است که تحت نظارت خود آن مرحوم نشر شد، نه چاپهایی که بعد از آن دیگران بیرون دادند و ادعا کردند که از روی متن مصحح فروغی منتشر کرده‌اند).

ترجمه سماع طبیبی شفا را در ۱۳۱۱ بدست گرفته بود و در ۱۳۱۶ به انتها رسانید و آن را چاپ کرد. بعد از آن کتابهای آسمان و جهان و کون و فساد را هم ترجمه کرد و مجموع اینها را در سالهای ۱۳۱۸ و ۱۳۱۹ منتشر کرد. در این کار چنانکه خود آن مرحوم نوشته است از مشورت مرحوم فاضل تونی استفاده کرده است ولی این مطلب را بعضی از راه ناجسی و بی‌انصافی چنان تعبیر کرده‌اند که گوئی ترجمه شفا کار فاضل تونی بوده، او تقریر می‌کرده و مرحوم فروغی می‌نوشته!

ما که شاگردان فاضل تونی بودیم خوب میدانیم که جناب فاضل نه قلمی داشت که بنویسد (حتی امضای خود را نمی‌توانست درست رسم کند) و نه تقریری که قابل ذکر باشد، تعلیمه بر فصوص که از تقریر او نقل شده است با اینکه کار دیگران در آن واضح است نمونه خوبی است از شیوه بیان او، و این چقدر فرق دارد با ترجمه شفا که از ابتدا تا انتها به نثر بسیار ساده و پخته و فصیح و زیبایی فروغی نوشته شده است که در ترجمه‌های از افلاطون و در سیر حکمت در اروپا می‌خوانیم. و کو تا کس دیگری بیاید و کار ترجمه شفا را بنویسد یا بفارسی بهمان شیوه‌ای به پایان برساند!

زبده‌ای از غزلیات خواجه حافظ شیرازی به همکاری برادرش میرزا ابوالحسن خان فروغی و استشاره با حاج سید نصرالله تقوی منتشر کرد که دوبار چاپ شد و چاپ دوم آن در ۱۳۲۰ منتشر گردید.

مجموعه‌ای از رباعیات حکیم خیام نیشابوری به همکاری دکتر غنی نشر داد که در ۱۳۲۱ چاپ شد با مقدمه‌ای مفصل در باب تشخیص رباعیات اصیل و الحاقی خیام. ولی من گمان می‌کنم این مسأله هرگز حل نخواهد شد و جزء معضلات تاریخ ادبیات ایران خواهد ماند که از این رباعی‌ها کدام از خیام است و کدام نیست. بعضی گمان می‌کنند حل مشکل به این خواهد بود که منکر اساس آن بشوند!

در همان ۱۳۲۱ منتخب شاهنامه‌ای برای دبیرستانها به اهتمام محمدعلی فروغی و حبیب یغمائی از جانب وزارت فرهنگ منتشر شد که با خلاصه شاهنامه سابق‌الذکر از این حیث تفاوت داشت که در این منتخب رابطه بین قطعات اشعار بجهت تکمیل داستانها به‌نثر انشا شده است و فقط ابیات نخبه و برگزیده بصورت نظم باقی مانده است. دوسه سالی قبل از اینها ترجمه فرانسه مقاله‌ای از فروغی که بعنوان پیام من بفرهنگستان نوشته بود توسط پروفیسور هانری ماسه تهیه شد و در سال ۱۹۳۹ در *Revue des Etudes Islamiques* منتشر گردید.

این بود فهرست مانند از تألیفات و ترجمه‌های مرحوم محمدعلی فروغی که بنده به آنها دسترس داشتم. اما در باب سبک انشای او هنوز يك سخن باقی است، و آن عبارت از سخنی است که خود آن مرحوم در ۱۳۱۶ در مقدمه بر چاپ دوم از جلد اول حکمت سقراط و افلاطون نوشت. می‌گوید: در رسالاتی هم که سابق بچاپ رسیده و اکنون تجدید طبع می‌شود بعضی اصلاحات عبارتی نموده‌ام یعنی آنها را بفارسی نزدیکتر ساختم، زیرا که اینجانب بفارسی نویسی مایل بوده و هستم، ولیکن معتقدم که شیوه نویسندگی نباید ناگهان تغییر کند، و باید تدریجاً تحول یابد که بر ابناء زمان محسوس نشود. بیست سال پیش هم نوشته‌های اینجانب از اکثر نویسندگان فارسی‌تر بود. اکنون در نویسندگی خود باز تغییر شیوه می‌دهم تا جائی که از آن فارسی‌تر ممکن نشود، یعنی قید فارسی نویسی مخل فصاحت نگردد، چه عقیده راسخ دارم که آنجا باید ایستاد و بعشق فارسی نویسی زبان بسته نباید شد.

خدا رحمت کند مرحوم فروغی را که کارهای او همه سرمشق بود و باید سرمشق بشود.

هنر اکنون ز دل خاک طلب باید کرد  
زانکه اندر دل خاک اند همه پر هنران



## سخنان حبیب یغمائی

بعد از گفتار دانشمندانی که همه از علم و فضیلت شهره جهان اند و بیان عبارات آنان سنجیده و سخته و عالمانه است، گفته‌های من نه بهائی دارد، و نه لطفی؛ و ازین روی پوزش و شرمندگی خود را بر هر سخن مقدم می‌دارم.

\*\*\*

مقرر است من بنده روش مرحوم فروغی را در تصحیح و انتشار بعضی آثار ادبی به عرض رسانم اما ممکن است گاهی از مرزی که معین فرموده اند بیرون شوم که بقول ابوالفضل بیهقی سخن از سخن شکافد. در بیان بنده نیز نقص و ناتمامی است اما اطمینان می‌دهم که اغراق و مجامله را در آن راه نیست و چون قسمتی از مطالب را در همین مجلس حذف کردم امیدوارم که زیاد خسته کننده نباشد.

\*\*\*

من از سال ۱۳۱۲ تا هنگام وفات فروغی که در ششم آذرماه ۱۳۲۱ اتفاق افتاد، همه روز صبح‌ها و عصرها، و گاهی تا پاسی از شب گذشته در خدمتش بودم و باید بگویم پیش از این تاریخ نیز مرا می‌شناختند و لطفی خاص داشتند، اما افتخار مصاحبت دائمی که بطور متوسط روزانه کمتر از ده دوازده ساعت نبود از سال ۱۳۱۲ آغاز شد. و تصور نمی‌کنم این سعادت را دیگری یافته باشد.

\*\*\*

ارادت و عشق فروغی به فردوسی و سعدی و حافظ و ابن سینا و نظامی و خیام و دیگر بزرگان ایران؛ درست است که هسته و هاله اش ادب دوستی خالص او بود اما نمیدانم اشاره باید کرد یا نه؟ که پس از سال‌ها مصاحبت در یافتن که در انتشار آثار این بزرگان گذشته از جنبه ادبی، نظر جهانی هم داشت، زیرا این بزرگان را در جوامع بشری افرادی کامل می‌دانست و شناساندن اینان را برای شناسائی ایران لازم می‌شمرد.

\*\*\*

می‌فرمود: در مجمع اتفاق ملل، یکی از نمایندگان پهلوی من نشسته بود، و سؤال کرد، نماینده چه کشوری هستید؟ هر چه سعی کردم ایران را، پرس را، با و بشناسانم، نتیجه نبخشید، عاقبت خودش گفت شاید آن مملکتی است که سعدی از آن جاست، شاعری که گفته: بنی آدم اعضای یکدیگرند او سعدی را می‌شناخت اما ایران را نمی‌شناخت.

\*\*\*

وقتی دیگر درضمن بحث از «ملت» فرمود که اتاترك به من گفت شما ایرانی‌ها قدر ملت خود را نمی‌شناسید، و معنی آن را نمی‌فهمید، و نمی‌دانید که ریشه داشتن، و حق آب و گل داشتن، در قسمتی از زمین چه نعمتی عظیم است، و ملت وقتی مصداق پیدا می‌کند که آن ملت را بزرگان ادب و حکمت و سیاست و در معارف و تمدن بشری، سابقه ممتد باشد.

شما قدر و قیمت بزرگان خود را نمی‌شناسید، و عظمت شاهنامه را در نمی‌یابید که این کتاب سند مالکیت و ملت و ورقه هویت شماست، و من ناگزیرم برای ملت ترك چنین سوا بقی دست و پا بکنم.

نقل قول اتاتورك را از زبان فروغی که صریح‌تر و بی‌پیرایه‌تر است به عبارت اصلی مناسب ننمیداند. و باید گفت که فروغی از دوستان محرم اتاتورك بوده است.

\*\*\*

تظیر این سخن‌ها مکرر بمیان می‌آمد که از آن جمله مفهوم می‌شد نظر فروغی در انتشار آثار بزرگان ایران با ادب و دید جهانی توأم بود، و من نمیدانم این تصور با واقعیت تطبیق می‌کند یا نه؟

\*\*\*

در مدت هشت نه سالی که در خدمت فروغی بودم، کلیات سعوی، شاهنامه فردوسی، خمسه نظامی، که من بتدریج به خط خود برای چاپخانه آماده کرده بودم، با نسخه‌های قدیم و اصل مقابله، و تصحیح شد. خلاصه شاهنامه و کلیات سعدی. و مخزن الاسرار نظامی بچاپ رسید، خمسه نظامی ناتمام ماند و گلستان و بوستان مکرر چاپ شد.

\*\*\*

در چاپ و تصحیح این کتاب‌ها بنده را افتخار همکاری بود، اما کتاب‌هایی دیگر در همین اوان تألیف فرمود که بنده فقط متصدی چاپ و تصحیح مطبعی آن بودم از قبیل: سماع طبیبی ابن سینا، سیر حکمت در اروپا، آئین سنخوری، حکمت سقراط که جلد دوم آن را بعد از وفاتش بدستور فرزندان بنده بچاپ رساندم، و همچنین نسخه حافظ، رباعیات خیام، و پیام من به فرهنگستان که



درباره هریک - عرف‌ها دارم و افسوس‌ها نیز که مجال سخن نیست .

\*\*\*

نخستین کتابی که به تصحیح آن دست برده شد گلستان سعدی بود ، که بمناسبت مئتمن‌مین سال تصنیف آن کتاب مقدس ، در سال ۱۳۵۶ هجری قمری انتشار یافت ، و چنین می نمود که این کار تعطیل شود ، اما شور و شوق فروغی این رشته را نگسیخت . بعد از گلستان ، بوستان و کلیات سعدی ؛ و خلاصه شاهنامه فردوسی ؛ و خمسه نظامی ، از پی هم نوبت یافتند .

\*\*\*

جمله ای است معترضه ، اما اگر در محضر شما ، ای صاحب نظران آگاه ، و ای بزرگان کریم ، یاد نکنم ، برای من که آفتاب عمرم در شرف افول است دیگر چنین فرصتی بدست نخواهد آمد .

\*\*\*

اهتمام فروغی در این خدمت ادبی صرفاً عشق شگفت انگیز و باور نکردنی او به شیخ سعدی بود و با این که وزارت فرهنگ اصرارها داشت دیناری نپذیرفت ، و استفاده مادی هر چند ناچیز بود - ازان من بود ، و من مخصوصاً از فروغی درخواست کردم باین مطلب در مقدمه کتاب اشارت فرماید چنین کرد و با این همه ؛ از بدگویان و تهمت زنان در امان نماند . در مقدمه می فرماید :

« ... و وظیفه اختصاصی من اینست از زحمات آقای حبیب یغمائی قدردانی کنم که در تهیه این مجموعه در همکاری با من بوجه اکمل و احسن همواره از تحمل هیچگونه تبعی خودداری ننمودند ، چنانکه شوق و ذوق و بردباری ایشان در انجام این کار عامل مؤثر بود ، و از این گذشته باید از وزارت فرهنگ دولت شاهنشاهی تشکر کنم که سلسله جنبان این اقدام شدند و هر چند این جانب در این عمل برای خود نفعی منظور نداشتم و فقط به مقتضای ارادت صادق به شیخ بزرگوار با کمال رغبت و اشتیاق تحمل زحمت و صرف وقت نمودم ولیکن بدون مساعدتی که وزارت فرهنگ در فراهم آوردن نسخ خطی بما فرمودند و مدد مالی که برای چاپ کتاب با آقای یغمائی رسانیدند البته حصول این مقصود بآسانی میسر نبود . »

\*\*\*

عرض کردم نخستین کتابی که به تصحیح و مقابله آن دست بردیم گلستان بود و پس ازان بوستان ، و بعد غزلیات و قصاید و غیره .

نسخه‌ای از گلستان بود متعلق به ابوالحسن بزرگ‌زاد اصفهانی، که در صفحه اول آن عبارتی است که در زمان شیخ نوشته شده، اما به هر حال نسخه‌ای است بی‌مانند و معتبر و کم اشتباه.

در اردی بهشت امسال که سفری بشیر از اتفاق افتاد، آن نسخه را دیگر بار زیارت کردم. ایرج افشار چند صفحه‌اش را عکس برداری کرد. گفتند که آقای دکتر کاظمی آن را خریده و به مزار سعدی تقدیم داشته.

نسخه گلستان و بوستان متعلق به لرد گرینوی انگلیسی که در سال ۷۲۰ کتابت شده یعنی بیست و چند سال بعد از سعدی، و از نسخه‌های بسیار معتبر است. اوراق عکسی آن را بوسیله مرحوم حسین علاء که گویا در آن هنگام سفیر ایران در انگلستان بود، به قیمت تهیه کردیم و عجله در کتابخانه ملی است.

\* \* \*

نسخه معتبر دیگر، از مرحوم محمد دانش خراسانی در تصحیح کلیات مورد استفاده ما بود، و آن نسخه متمم نسخه لرد گرینوی است باین معنی که يك نفر کاتب در مدت دو سال کلیات سعدی را نوشته گلستان و بوستانش بلندن رفته، و بقیه‌اش در ایران مانده. این نسخه اکنون در کتابخانه مجلس شورای است و از بهترین و صحیح‌ترین و ارجمندترین کتاب‌ها در جهان است.

\* \* \*

نسخه بوستان و قسمتی از غزلیات متعلق به مرحوم دکتر لقمان الدوله ادهم که در سال ۷۱۸ کتابت شده. یعنی بیست و چند سال بعد از سعدی. روزی با مرحوم فروغی که عصای خود را بردوش می‌نهاد، و ملایم راه می‌سپرد، به منزل دکتر لقمان الدوله رفتیم، و کتاب را بامانت گرفتیم، و من پس از چند ماه کتاب را برگرداندم، و یادداشت فروغی را واپس گرفتم. از آقای دکتر علی قلی لقمان ادهم چندی پیش جوای آن نسخه شدم با کمال تأسف فرمودند که از میان رفته، من نیز افسوس خوردم که برخلاف میل دکتر چرا ازان عکس نگرفتم.

\* \* \*

مسموع افتاد که نسخه‌ای است از مرحوم تیمورتاش که در تصرف شاهزاده افسر است.

روزی با فروغی که همچنان عصای خود را بردوش می‌نهاد و بر زمین نمی‌کوفت، از منزلش واقع در چارراه پهلوی قدم زنان به منزل شاهزاده افسر



در خیابان عین الدوله رفتیم . مرحوم افسر پذیرائی و محبت کرد نسخه را دیدیم و نپسندیدیم و باز گشتیم .

نسخه‌هایی دیگر: از کتابخانه‌ها در لندن کتابخانه پاریس کتابخانه ملک کتابخانه سلطنتی و نیز نسخ خطی دیگر از بدیع الزمان ، و صادق انصاری و مجدالدین نصیری ، و امیرخیزی و دیگران ، و نسخه‌های چاپی هند و اروپا و تبریز و طهران از هر جانب فراهم آمد که اگر بخواهم درباره هر یک به اجمال توضیح دهم مجالش بیش می‌باید.

شما آقایان بزرگوار ، حق دارید بگوئید همین مقدار گفتن هم بی‌جا است ، اما عذر بنده را بپذیرید ، بنده مخصوصاً همه این نسخه‌ها را بنام و نشان برشمردم ، و محل هر یک را نمودم ، تا کسانی که تصور می‌کنند فروغی ذوق و سلیقه و نظر خود را در تصحیح کلیات سعدی بکار برده ، بروند ، و مطالعه کنند ، و تطبیق فرمایند ، و از ایرادهای نابجا و ناپسند که روح آن مرحوم را آزوده می‌سازد؛ دامن فراهم چینند.

\*\*\*

باری ، با فراهم آمدن این نسخه‌ها بکار شروع کردیم . محل کارمان منزل فروغی در چار راه پهلوی بود .

تابستان‌ها در اطاقی که طرف شمال واقع و نسبتاً سرد بود ، و میز و صندلی داشت ، می‌نشستیم . فروغی بر میز مخصوص خود چند نسخه را می‌گسترد ، و بنده بر روی میز دیگر ، چند نسخه دیگر را .

اوراق مخصوص چاپخانه که نیمی از صفحه سفید؛ و برای یادداشت حواشی آماده بود ، در دسترس بود . آنگاه با تأمل تمام ابیات را می‌خواندم ، و فروغی به دقت گوش می‌داد ، و نظر خود را در هر بیت اظهار می‌فرمود . و باین روش مقابله و تصحیح ادامه می‌یافت .

در زمستان‌ها ، در اطاق جنوبی زیر کرسی می‌نشستیم . فروغی در یک طرف کرسی بحال استراحت دراز می‌کشید ، کتابها را بالای سرش می‌گشود ، و به قفا سر بر بالین می‌گذاشت ، که مطالعه آسان باشد ، و من در طرف مقابل او زیر کرسی به دو زانو می‌نشستم و کتابها را روی کرسی می‌گشودم ، و ابیات را می‌خواندم و موارد اختلاف نسخه‌ها را می‌نوشتم ، و باین روش ، روزها ، ماهها و تابستانها ، و زمستانها ، و سالها از پی هم می‌گذشت .

یادباد آن روزگاران یادباد!

\* \* \*

فروغی، در تابستانها، پیراهنی نازک می پوشید، و در زمستانها ربودشامبری بر تن راست می کرد، اما بنده هیچگاه در گرمای سخت تابستان هم، کت خود را از تن بر نمی آوردم و همواره و در هر حال ادب و احترام این حکیم بی مانند را از یاد نمی بردم.

\* \* \*

در ضمن اشتغال، گاهی خسته می شدیم، و دقایقی به گفتگوهای منفرد می گذشت.

در این فرصت ها فروغی از توجهات پدرش، و تحصیلاتش، و مسافرت هایش و تألیفاتش، و صفات دوستان پدرش، و دوستان خودش و از نوادر داستانها و لطیفه ها از جلوه و محمود خان ملك الشعرا و دیگران سخن می گفت.

گاهی در مقایسه سعدی و حافظ و عشق حقیقی و مجازی و ازین گونه مطالب بحث میشد. افسوس، افسوس

قضا روزگاری ز من در ربود

که هر روزی از وی شب قدر بود

من آن روز را قدر نشاختم

بدانستم اکنون که دریافتم

گاهی هم اتفاق می افتاد که بعضی از دوستانش بدیدنش می آمدند، اشخاصی چون: حکیم الملك، حسین علاء، فرزین، محمود جم، علی سهیلی، شیخ مرتضی نجم آبادی، صدرالاشراف رحمه الله علیهم اجمعین، و بعضی از محصلان حقوق برای پرسش، که فروغی همچنان با جامه مخفف آنان را می پذیرفت.

\* \* \*

وقتی بزرگانی که نام بعضی از آنان را بردم بدیدار فروغی می آمدند بنده از اطاق بیرون میشدم، و هر چند اصرار میکردند نمی ماندم، زیرا در آن سالها فروغی خانه نشین و از کار برکنار بود، و سزاوارتر بود که در گفت و گو آزاد باشند.

مشرق شناسان و دانشمندان دیگر کشورها که به طهران می آمدند به تصریح خودشان امکان نداشت که او را زیارت ناکرده بگذرند، با اینکه در ملاقات وی محظوراتی بود.

اما محضر شیخ نجم آبادی چندان شیرین و نشاط آور بود که دل بر کندن



نمی توانستم. این شیخ مرتضی از نیکان روز ، و معلم خط ما در دارالمعلمین عالی بود. وقتی این بیت را به من سرمشق داد.

مردی که هیچ جامه ندارد با اتفاق

بهرتر ز جامه‌ای که در او هیچ مرد نیست

\* \* \*

مقدار ابیاتی که در هر روز مقابله می‌شد، متفاوت بود ، بعضی از روزها برای جستن يك لغت ، ساعت‌ها صرف می‌شد، از این فرهنگ بدان فرهنگ ، و از این کتاب بدان کتاب. و رشته تحقیق به کتاب‌های اروپائی نیز می‌پیوست . فروغی فرانسه و انگلیسی را چنانکه شما آقایان کاملاً آگاهید بسیار خوب می‌دانست. ومقالات و خطابه‌های او بدین زبان‌ها گواهی است متقن ، آلمانی را هم می‌خواند و می‌فهمید .

\* \* \*

مرحوم فروغی در اشعار سعدی و فردوسی حساسیت عجیبی داشت سخت ، و سخت متأثر می‌شد، اگر غزلی یا قطعه‌ای او را جذب می‌کرد ، دست‌ورمی فرمود مکرر بخوانم و او سراپا گوش بود ، گاهی به تبسم نشاط و شادی خود را می‌نمود، و گاهی چنان افسرده و مغموم می‌شد که اشک به چشم می‌فشرد .

بخت آئینه ندارم که دران می‌نگری

خاك بازار نیزم که بران می‌گذری

من چنان عاشق رویت که ز خود بی‌خبرم

تو چنان فتنه‌خویشی که زمن بی‌خبری

خفنگان را خبر از محنت بیداران نیست

تا غمت پیش نیاید غم مردم نخوری

یکی دو بار هم بی‌هوش افتاد ، طبیب او يك نفر روسی سپید بود .

\* \* \*

کلیات سعدی که با نظر فروغی چاپ شده، بی‌تردید صحیح‌ترین نسخه‌هاست اما چاپ نخستین آن ؛ نه چاپ‌هائی که کتاب فروشان نام فروغی را بران نهاده‌اند .

همین چاپی که خودمان هم متصدی بودیم اشتباهاتی دارد که بعداً متوجه شدیم بدین امید که در تجدید چاپ آن اشتباهات رفع شود ، اما فروغی وفات یافت و بنده را هم توفیق حاصل نشد .

اگر اجل فرا نرسد و توفیق یار شود وظیفه دارم آن کتاب را با اصلاحات مجدد فروغی دیگر بار بچاپ رسانم .

\*\*\*

مقابله و تصحیح شاهنامه و خمسۀ نظامی نیز به همین روش بود که به عرض رساندم .

شاهنامۀ فردوسی برای دانشجویان خلاصه شد ، اشعار داستان‌هایی چون داستان زال و رودابه ، بیژن و منیژه ، سیاوش ، رستم و اسفندیار به تمام انتخاب شد و اشعاری دیگر جای به جای ، و برای این که رشته مطالب گسیخته نشود قسمت‌هایی به نثر نوشته شد .

چاپ کتاب در شرف اتمام بود که فروغی رخت از جهان بر بست و بنده آن را پایان بردم .

\*\*\*

در ضمن مقابله و مطالعۀ شاهنامه ؛ هم لغات و اصطلاحات یادداشت می‌کردیم و هم معانی بعضی از ابیات را .

ازین همه مهم تر تنظیم فهرست اسامی شاهان و پهلوانان و بزرگانی است که فردوسی در موارد مختلف از آن نام برده و تصویری کنم اگر این تألیف تکمیل و چاپ شود از آثار بی نظیر این عصر خواهد بود .

از خمسۀ نظامی ، مخزن الاسرار و خسرو و شیرین ، و لیلی و مجنون ، بانسخه‌های خطی معتبر مقابله و تصحیح شد ، یک خلاصۀ برای عموم ، و خلاصه تری برای محصلان ، از این کتاب تنها خلاصۀ مخزن الاسرار بچاپ رسید .

يك دهان خواهم به پهنای فلك

تا بگویم ذكر آن رشك ملك

هم از اندیشه ، و هم از بیان ، عاجزم که شمه‌ای از صفات ملکی و انسانی فروغی را به عرض رسانم . می‌دانم که بزرگان مجلس ، در این باب از من بصیرتر و آگاه‌ترند اما چکنم نمی‌توانم که از یاد ولی نعمت خود غافل بمانم ، و گرچه سخن اندك و نارسا باشد .

این چه ، در این محضر مقدس معروض می‌دارم ، دقیقی است که در طی سال‌ها مصاحبت دریافته‌ام ، و اطمینان و قطع دارم که اشتباه نکرده‌ام ، که این مایه از معرفت داشتم .

– فروغی به تمام معنی ، ایران را دوست داشت ، و وطن خواهی با حقیقت



بود، در مصلحت مملکت هر چه تشخیص می داد بکار می بست و از غوغا و هیاهوی عوام و حتی خواص باک نداشت. و از کسانی نبود که وجهه ملی خود را به مصلحت کشورش ترجیح دهد.

— به ثروت و ثمول، چه پول، چه زمین و امثال آن ها مطلقاً بی اعتنا بود  
فزونی نمی طلبید. به همان مقدار که خرج خانه اش را تکافو کند راضی و قانع بود.  
درست چنانکه حافظ فرموده ::

در این بازار اگر سود است با درویش خرمنند است  
خدایا قانم گردان به درویشی و خرسندی  
— در بانک ها نه در داخل نه در خارج شماره حساب نداشت چون نه تنها  
موجودی نداشت بل مقروض هم بود.

او، اکنون دستش از جهان کوتاه است و بقول سعدی  
آن پنجه کمان کش و انگشت خط نویس

هر يك كنون فتهاده بجائی و مفصلی  
از خصوصیات زندگی او هم گمان ندارم کسی چون من آگاه باشد و اگر  
در اظهار بعضی از حقایق زندگی وی اهمال کنم گناه کرده ام، گناهی نا بخشودنی.  
— نقدینه اش برای مخارج روزانه در کشوی میزش بود، که هر مقدار برمی داشت  
یادداشت می کرد. گاهی که از خانه بیرون می شد، کفشو میز را نمی بست، و  
بنده از ناراحتی و نا آرامی، مکرر باین رفتار، به تندی سخن گفتم، و گوش  
نمی داد.

— يك قلم مخارجش، هزینه تحصیلی فرزندان در اروپا بود، وقتی باو  
عرض کردم، وزارت فرهنگ به محصلین اعزامی هزینه تحصیلی می دهد، چرا  
از این راه خرجتان را کم نمی کنید؟ نپذیرفت.

— مقداری زمین از بابت حق تألیف تاریخ مختصر ایران کتاب فروشی باو  
داده بود که ارزان فروخت، اما روزی که نشان ها و بعضی از اشیاء نفیس خانوادگی  
را فروخته بود متأثر شایفتم.

— خوش محض و خوش بیان بود گاهی لطیفه ها و داستان های شیرین می گفت  
و از شنیدن لطیفه ها نیز شادمان می شد و تبسم می کرد.  
— هیچ گاه به قهقهه نمی خندید.

— بسیار مؤدب بود، در زمستان، يك روز که پنجره ها بسته بود من اطاق  
را، ازدود سیکار انباشتم، او خود از جای برخاست و پنجره ها را باز کرد، و  
درسی آموزنده از ادب به من داد.

- دخانیات مطلقا استعمال نمی کرد .

- از مشروبات الکلی دوری می جست مگر در موارد بسیار نادر

- فرزندان را بسیار دوست داشت هر وقت نامه ای از آنان می رسید از شادی بر می افروخت و می گفت محسن چنین و چنان نوشته ، از پایان تحصیلات ، از مزاجت ، از مراجعت او خبر می داد .

- در نخستین روزی که مقرر شد همه روز شرفیاب شوم اصرار فرمود که ناهار در خدمتش صرف شود اما با نهایت سماجت استدعا کردم که اجتماع خانوادگی خود را با حضور من مشوش نسازد ، ولی اتفاق می افتاد که گاهی از اوقات ناهار را با هم بودیم .

- اوراق تألیفات خود را چون :

سیر حکمت ، حکمت سقراط ، آئین سقراط ، آئین سخنوری ، و جز این ها که من مقصدی طبع همه بودم به خط خودش یا کنویس می کرد ، بی قلم خوردگی و در نمونه های چاپخانه عبارت را تغییر نمی داد .

- از هیچ کس بد نمی گفت حتی به کسانی که او را آزار می رساندند و ناسزایش می گفتند .

- روزنامه ستاره ایران نوشت که فروغی و دکتر غنی بپاداش تنظیم رباعیات خیام هجده هزار تومان گرفته اند ، در صورتی که قرارداد وزارت فرهنگ به مبلغ هفتصد تومان بود . با عصبانیت و برافروختگی به فروغی عرض کردم ، باید این نسبت را تکذیب کنید . نپذیرفت . عرض کردم اجازه فرمائید من تکذیب کنم فرمود موجب می شوی که هر دو ناسزا بشنویم ، از وزارت فرهنگ رو نوشت قرارداد را گرفتم که گراور کنم بی هیچ توضیح باز هم موافقت نفرمود .

این بردباری و خون سردی را هنوز هم وقتی بپاد می آورم ناراحت می شوم قضا خوریم و ملامت بریم و خوش باشیم

که در طریقت ما کافری است رنجیدن

بیشتر تألیفات فروغی در همین سالهای آخر عمر اوست و من نمی دانم این کتابها را کی و چه وقت می نوشت چون همه روز با هم بودیم و شبها هم مجالی چندان نمی ماند ، هنوز هم در این معنی تعجب و حیرت بجای است .

- وقتی شاهنامه را تصحیح کردیم نسبت هائی ناروا و زننده به فروغی دادند که این اهتمام از آن دیگری است چه دشنام ها که دادند ، و چه دشمنی ها کردند و فروغی جواب نمی داد .



روزی با مرحوم ملك الشعراء بهار از بردباری فروغی در این زمینه سخن گفتم. بهار با اینکه با فروغی خوب نبود، ساحت فروغی را از اتهامات منزله شمرد و به تلخی به مدعیان حمله کرد. از بهار خواستم گفته‌های خود را بنویسد، پذیرفت و نوشت و خوب هم نوشت، نامه بهار را در روزنامه ایران ما - بی اجازه فروغی - درج کردم زیرا ممکن بود اجازه نفرماید و اکنون هم سزاوار است که از روزنامه ایران ما به مجله یغما نقل شود که یادگاری است از مرحوم بهار.

شاید سبب تیرگی روابط فروغی و بهار را در موقعی دیگر بگویم که خالی از عبرت و انتباه نیست.

در کتاب تاریخ اصفهان نژاد فروغی، پدر بر پدر تصریح شده که نیاکانش در دربار پادشاهان صفویه مقامی عالی داشته‌اند، شاید بعضی از آقایان بخاطر داشته باشند که رادیو برلن چه دشنام‌ها بر او می‌داد و فروغی اعتنا نمی‌فرمود و اجازه هم نمی‌داد این قسمت از تاریخ اصفهان در روزنامه‌ای نقل شود اما بعد از مرگش در مجله یغما منتشر کردم.

- به دوستانش که گاهی از او راهنمایی می‌جستند مدد فکری می‌رساند ولی از نوشتن توصیه خودداری داشت.

- شعر خوب می‌شناخت، ولی شعر نمی‌گفت، مگر يك قطعه که در جوانی گفته است.

- در خطابه و نطق مانند نداشت، شمرده، و ملایم، و مستدل حرف می‌زد. اتفاق می‌افتاد که موضوع بحث او، و دیگری، یکی باشد، اما او چنان مطلب را ساده و روان و قابل دریافت ادا میکرد که دیگران نمی‌توانستند.

همه گویند و سخن گفتن سعدی دگر است.

- خطابه خود را نمی‌نوشت و حتی یادداشت هم نداشت، در فضای فوقانی سالن خطابه در تالار باستان‌شناسی گاهی قدم می‌زد، و روی به بالا داشت و این در مجالسی بود که مستمعان از بزرگان و دانشمندان بودند.

- یادداشتی به خط مرحوم مدرس داشتم که پس از نطق فروغی در مجلس شوری باو نوشته بود «دهانت را می‌بوسم»

باری، از این گونه خاطرات بسیار دارم، اما ازین بیش تصدیع مرا روا نمی‌دارد.



این کاریکاتور از  
فروغی در دستوران  
'باواریا' ( Bavaria )  
در ژنو نصب است . از  
آقای سید محمد علی  
جمالزاده متشکریم که  
وسیله استفاده از آن را  
فراهم کردند .

Kelen  
Genève

Bavaria 1929

Farougi Khan (Perse) president du Conseil



از اوراق یادگاری فروغی بخط خودش ، آنچه اکنون به دسترس بنده است .

- نخست یادداشت‌هایی است از توضیح معانی لغات و اصطلاحات که بعضی در حواشی کتاب به خط اوست و بعضی در جزوه‌های متفرقه و آشفته . در این جزوه‌ها بنده معانی لغات را نوشته‌ام و فروغی آن را تصحیح فرموده است .

- دیگر ، بعضی از مکاتبات و گزارش‌ها و پیش‌نهادها به مجمع اتفاق‌ممل است که در اروپا و ترکیه نوشته است ، و بهترین و مؤثرترین درس وطن‌دوستی و راهنمایی در امور کشوری است در سطح جهانی ، انتشار این اوراق روا نیست و باید خواند و فراگرفت ، و بکار بست و این وظیفه سیاست‌مداران باعلاقه است ، بعضی از این نامه‌ها به زبان فرانسه و انگلیسی است . این امانت را به فرزندان بزرگوارش در همین مجمع مسترد می‌دارم .

- دیگر ترجمه چند تأثر از مولیر است بخط خود فروغی ، و فرزندان عزیزش که به بنده محبتی بیش از حد دارند و اجازه خواهند فرمود عجاله نگاه دارم ، مگر در همین دو سه ماه بچاپ و انتشار آن توفیق یابم . \*

\*\*\*

فروغی به من بنده اعتماد و اطمینان مطلق داشت ، در نامه‌هایی ، بمناسبت تصریح فرموده که یغمائی هر چه بگوید من گفته‌ام و امضای او امضای من است . بعضی اوقات مطالبی که من از قول نوشته بودم بی این که بخواند امضاء می‌کرد .

باتقدیم معذرت از فراوان سخنی در پایان چند بیت از قطعه‌ای را که سابقاً گفته‌ام به عرض می‌رسانم و دم درمی‌کشم .

\*\*\*

به روح پاک فروغی درود باد درود

که افتخار زمان در فنون دانش بود

دقیق فکر نویسنده‌ای به معنی و لفظ

لطیف طبع سخن گستری بگفت و شنود

نه هیچگاه ز گفتار او دلی آزد

نه هیچوقت ز رفتار او تنی فرسود

به هر مقام که بد ، از نفوذ دشمن کاست

به هر دیار که شد قدر دوستان افزود

---

\* مجموعه‌ای از سه تأثر به توسط حبیب یغمائی انتشار یافت .

باهل علم اگر يافت نعمتی، بخشيد  
 ز جهل خلق اگرديد زلتي، بخشود  
 به خير دولت و ملت چه طرح ها که فکند  
 ز کار مردم و کشور چه عقده ها که گشود  
 به حفظ ملك تن خویش را نمود سپر  
 اگر چه شد هدف طمن های زهر آلود  
 باین امید که ما در جهان سرافرازیم  
 به هیچ بیم نیاورد قدر ملك فرود  
 وجود آدمی از خاک مایه ای است حقیر  
 سعادت است ازین مایه بر گرفتن سود  
 بشر رسد به مقامی که بگذرد زملك  
 اگر طریق درستی و راستی پیمود  
 وجود خلق شود مظهر تجلی حق  
 اگر به مصقل اخلاص تیر گیش زدود  
 پیمبران و حکمیان بزرگ مردانند  
 که حق ز جلوه آنان جمال خویش نمود  
 حجاب خاک نبو شد فروغ رأی حکیم  
 نمی توان رخ خورشید را به گل اندود  
 همان دعا که بگفتم نخست گویم باز  
 به روح پاک فروغی درود باد ، درود

---

**توضیح:** متن خطابه ها به همین صورت که درین جزوه نشر می شود به اجازه  
 مقام محترم ریاست دانشگاه تهران در شماره آخر سال ۱۳۵۰ مجله راهنمای  
 کتاب به چاپ رسید. اینک تجدید چاپ لوحی آنها به مناسبت نام گذاری تالار  
 کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران به «تالار فروغی» انتشار می یابد.



## انتشارات کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد

- ۱- فهرست نمایشگاه نسخه‌های خطی (۱۳۵۰) ۱۵۰ ریال
- ۲- اسناد مربوط به روابط تاریخی ایران و جمهوری ونیز (۱۳۵۲) ۱۰۰ ریال
- ۳- کتابداری (دفتر چهارم) (۱۳۵۲) ۲۰۰ ریال
- ۴- سرعنوان موضوعی : حسین بنی آدم (۱۳۵۲) ۱۵۰ ریال
- ۵- فهرست میکروفیلم‌های کتابخانه مرکزی : محمد تقی دانش‌پژوه  
(جلد دوم) (۱۳۵۳) ۲۵۰ ریال
- ۶- فهرست روزنامه‌های فارسی مربوط به سالهای ۱۲۶۷ قمری تا ۱۳۲۰ شمسی  
تألیف حسن سلطانی ۲۰۰ ریال
- ۷- کتابداری (دفتر پنجم)

### در دست تهیه و زیر چاپ

- ۸- فهرست ترتیبی و موضوعی مجموعه نسخه‌های خطی اهدائی سید محمد مشکوة  
(چاپ تلخیصی توسط محمد شیروانی)
- ۹- فهرست عکس رجال و مناظر (تهیه شده توسط دکتر حسین محبوبی اردکانی)
- ۱۰- فهرست پایان نامه‌های تحصیلی فارغ التحصیلان دانشگاه تهران از ابتدا تا سال ۱۳۵۳  
(زیر نظر حسین بنی آدم)
- ۱۱- فهرست عکسهای نسخه‌های خطی (توسط محمد شیروانی)
- ۱۲- امیر کبیر و دارالفنون (مجموعه خطابه‌های ایراد شده در مجلس بزرگداشت)
- ۱۳- مجموعه خطابه‌های درباره فارابی
- ۱۴- لطائف الحقائق (از آثار رشیدالدین فضل‌الله همدانی)